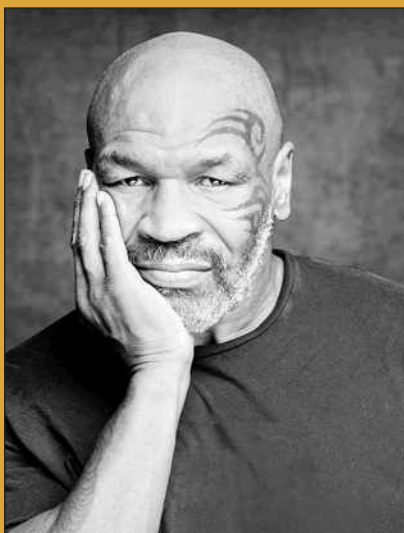


سرافراز

هفته نامه سراسری

دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲ جمادی الاولی ۱۴۴۵ / ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳ / سال یازدهم / شماره ۴۷۳ / ۱۵۰۰ تومان

حقوق بشر؛ حقوق بی بشر یا بشری حقوق!



مایک تیسون؛
بدترین مرد روی سیاره!



مرگ بارترین مکان ها
برای رانندگی



«داریوش فرهنگ»؛
از مبدأ آبادان
تا مقصد شهرت



«اسبچه خزر»؛ جانوری
مینیاتوری با قدمت
بیش از ۵۰۰۰ سال

حقوق بشر؛ حقوق بی بشر یا بشر بی حقوق!



«اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد» در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در «پاریس» به تصویب رسید. این اعلامیه، نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند، به صورت جهانی بیان می‌دارد. اعلامیه مذکور، شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه «سازمان ملل متحد» در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد آن از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است؛ زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود. ۷۵ سال از تصویب اعلامیه می‌گذرد؛ اما با وجود امضاهایی که کشورهای دنیا در پای آن نهاده‌اند، عملاً در سراسر جهان هر روز این حقوق را نقض می‌کنند. ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ «النور روزولت» (بیوه رئیس جمهوری آمریکا؛ فرانکلین روزولت) اعلامیه را در محل «سازمان ملل» (در پاریس) خواند و «مجمع عمومی سازمان ملل» آن را تصویب کرد. برای نخستین بار در تاریخ بشریت، ۴۶ عضو «سازمان ملل» اعلام کردند سر حقوقی باهم به توافق رسیده‌اند که همه انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند. هشت کشور؛ از جمله «اتحاد جماهیر شوروی»، «عربستان سعودی» و «آفریقای جنوبی»، به این اعلامیه (در آن زمان) رأی ندادند.

مصطفی رفعت
mrafat0@gmail.com

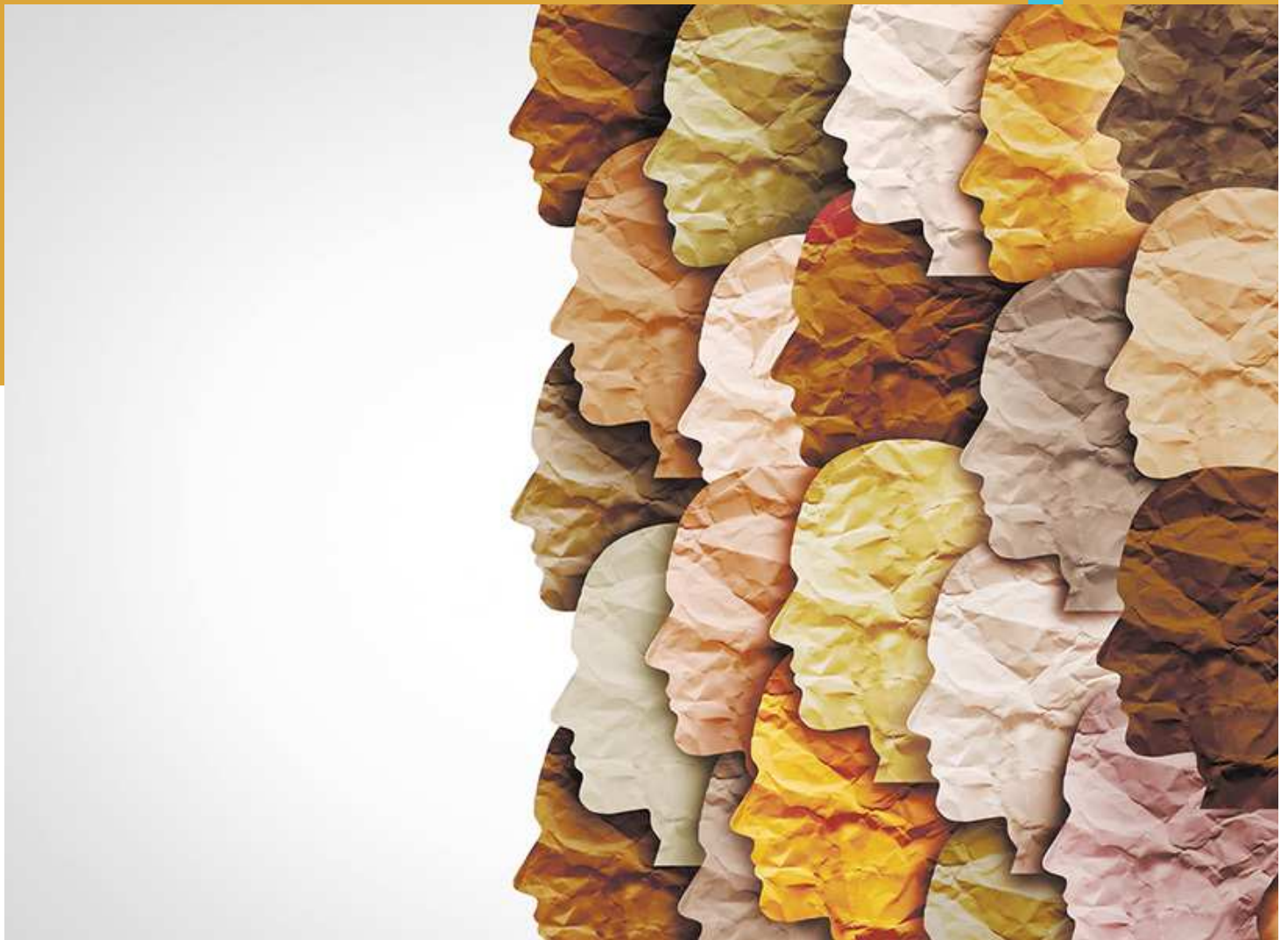
«گل‌گاد اردان» (سفیر اسرائیل در سازمان ملل) درباره «پیش‌نویس قطعنامه برقراری آتش‌بس در غزه» و وتوی آن از سوی «آمریکا» در شورای امنیت، گفت: «از آمریکا و جو بایدن؛ رئیس‌جمهوری این کشور به خاطر ایستادگی قاطع در کنار ما تشکر می‌کنم». او بار دیگر به «سازمان ملل متحد» حمله کرد و موضع‌گیری این سازمان را به زعم خود؛ جانب‌دارانه خواند و با فرافکنی و طرح ادعای شلیک موشک‌های مقاومت از درون مناطق مسکونی در جنوب نوار غزه، گفت: «بسیار شوکه‌کننده است که حماس از داخل مناطق مسکونی در جنوب غزه به سمت شهرک (صهیونیست‌نشین) غوش دان، موشک شلیک می‌کند؛ اما سازمان ملل وارد بررسی موضوع جانب‌دارانه می‌شود و حتی حماس را محکوم نمی‌کند». نیز «الی کوهن» (وزیر خارجه رژیم صهیونیستی) نیز در همین راستا به دبیرکل «سازمان ملل» بار دیگر حمله کرد و مدعی شد: «آنتونیو گوترش در کنار جنبش حماس ایستاده؛ و موضعش، لکه‌نگی برای سازمان ملل است». قطعنامه پیشنهادی «امارات متحده عربی» در نشست اخیر «شورای امنیت سازمان ملل» به رأی گذاشته شد؛ که از ۱۵ عضو شورا، ۱۳ عضو رأی موافق، یک عضو (ایالات متحده) رأی مخالف؛ و «انگلیس» دیگر عضو این شورا، رأی ممتنع دادند. «امارات» پیش‌نویس قطعنامه‌ای کوتاه را به شورا ارائه داد که خواستار «آتش‌بس فوری بشردوستانه» و از حمایت کشورهای عربی و اسلامی برخوردار بود. قطعنامه یادشده که به تصویب «شورای امنیت» نرسید، با ابراز نگرانی شدید از وضعیت فاجعه‌بار انسانی در «نوار غزه» و رنج مردم غیرنظامی «فلسطین»، تأکید می‌کرد که جمعیت غیرنظامی باید بر اساس قوانین بین‌المللی بشردوستانه محافظت شوند. «آنتونیو گوترش» (دبیرکل سازمان ملل) با توجه به گستردگی تلفات انسانی در «غزه» در پی جنگ «رژیم اسرائیل»، نامه‌ای را با استناد به «ماده ۹۹ منشور سازمان ملل» به رئیس «شورای امنیت» ارسال کرده بود. این ماده که در تاریخ «سازمان ملل متحد» تنها نه بار مورد استفاده قرار گرفته است، بیان می‌کند: «دبیرکل می‌تواند هر موضوعی را که به نظر او ممکن است حفظ صلح امنیت بین‌المللی را تهدید کند، به شورای امنیت اطلاع‌رسانی کند». ... این شکل از «نقض حقوق بشر» در روزهایی که مصادف است با مناسبت «روز جهانی حقوق بشر» (۱۰ دسامبر؛ مصادف با ۱۹ آذر) واقعاً جای تأسف و حیرت دارد ...

احترام به کرامت انسانی؛ وظیفه از یاد رفته بشر امروز

به دنبال دارد و حتی بر افزایش آمار جرم و جنایت هم تأثیرگذار است. حال در ایشل بزرگ‌تر، به قدرت تخریب این نوع نگرش بر گروه‌های انسانی، جوامع و کشورهای ضعیف‌تر توسط قدرت‌های بزرگ فکر کنید! نسل‌کشی‌ها، گسترش شکاف طبقاتی در جوامع و بهره‌کشی‌های انسانی؛ تنها نمونه‌هایی از شیوع بی‌ارزش ساختن ارزش‌های انسانی‌اند که خاصه در دهه اخیر شکل فزاینده‌ای یافته است. شکنجه، تجاوز، برده‌داری، محرومیت اجتماعی، بیگاری و برده‌داری؛ از بارزترین نمونه‌های نقض کرامت انسانی هستند که درکمال حیرت و تأسف، در مسیر پیشرفت‌های فناوریانه، پسرقتی در مضامین انسانی به‌شمار می‌روند. «کرامت انسانی» واژه راه‌یافته به منشور سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ و راه‌یافته به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ است که به عبارتی پس از دوران جنگ‌های جهانی شکل گرفت و مورد توجه واقع شد. قبل از ۱۹۴۵، تنها پنج کشور در قوانین اساسی‌شان، به آن پرداخته بودند؛ اما تا ۲۰۱۲ تعداد کشورهایی که به حفظان «کرامت انسانی» پیوستند، به ۱۶۲ رسید. با همه این اوصاف، به نظر می‌رسد که با اقدامات ضدبشری گسترده که در اقصی نقاط جهان شاهدش هستیم، این واژه، عینی و عملی در جوامع معنا نشده. در این زمینه، دکتر «مهرداد ناظری»؛ جامعه‌شناس و استاد دانشگاه می‌گوید: «باتوجه به اینکه در قرن بیستم ویکم مفهوم کرامت انسانی اهمیت فراوانی یافته است؛ اما به نظر می‌رسد همچنان با نقض آن در جهان مواجهیم. اگر در قرن بیستم، دو جنگ خانمان‌سوز جهانی به‌عنوان پاشنه آشیل در نابودسازی ارزش‌های متعالی انسانی عنوان شد، در قرن حاضر، مصرف انبوه و گم‌شدگی انسان، عامل اساسی تضعیف کرامت انسانی است. یکی از موضوعات مهم که در این باره می‌توان مطرح کرد، مسئله نگرش عاشقانه انسان‌هاست. همان‌طور که زیگموند باومن در کتاب عشق سیال می‌گوید؛ ناپایداری روابط انسانی، یکی از مهم‌ترین مسائل مبتلابه انسان امروزی است. درحقیقت، به نظر می‌رسد گسترش تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی هرچند باعث گسترش ارتباطات کوتاه‌مدت شده است؛ اما ازسوی دیگر، به‌شدت ارزش‌های متعالی انسانی را تضعیف کرده. مهم‌ترین عامل در این زمینه، حذف روابط عینی و واقعی و جایگزینی آن با روابط مجازی است. اگر رابینسون کروزوئه در جزیره‌ای به‌تنهایی هرآنچه می‌خواهد انجام می‌دهد، حالا با حضور نفر دوم او ملزم به رعایت قواعدی است که ارتباطات آن‌ها را معنادار می‌سازد. وقتی جامعه وجود خارجی دارد، پس نمی‌توان کنشگران اجتماعی آن را مهره‌های جداشده یا اجزای غیرمفید آن خواند. آنچه انسان پست‌مدرن امروزی به آن نیاز دارد، توجه به مقام شامخ انسانی است و این همان چیزی است که اریک فروم در کتب خود به آن تأکید می‌کند و تأزمانی که کشته‌شدن کودکان در سوریه، فلسطین و... امری عادی به حساب می‌آید، نمی‌توان از کرامت انسانی سخن گفت. برای احیای آن نیاز است که هنر مسئولیت را به تک‌تک افراد جامعه جهانی آموزش دهیم. این مسئولیت، از جو بایدن تا طرف‌شوی‌های رستوران‌های پایتخت ایران را شامل می‌شود. همه باید نوع نگاه خود را به خود و به جهان اطراف تغییر دهیم». آلخاندرو خودوروفسکی؛ فیلم‌ساز، نمایشنامه‌نویس، آهنگساز، بازیگر پانتومیم، روان‌درمانگر و نویسنده شیلیایی می‌گوید: «مادامی‌که شأن و کرامت انسانی مان خدشه‌دار نشده، شکست نخورده‌ایم!» وجود مناسبت‌هایی مانند «روز جهانی کرامت انسانی» برای یادآوری این‌گونه مفاهیم نوع‌دوستانه، کمکی در راستای بهبود شرایط است.

«لیزا کودرو»؛ بازیگر و تهیه‌کننده آمریکایی گفته است: «تماشای اینکه یک نفر ارزش و کرامت انسانی خود را از دست می‌دهد؛ یکی از دردناک‌ترین صحنه‌های زندگی است؛ با این حال در دنیا آن قدر این صحنه تکرار شده که دیگر ما را اندوهگین نمی‌کند!» این جمله، حقیقتی تکان‌دهنده در خود دارد که می‌توان آن را نشانه‌ای از فروریختن ارزش‌های انسانی در جامعه مدرن خواند. در سال‌های اخیر، معضل جنگ به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین بلاهای خودساخته بشری، باعث شده تا شاهد اتفاقات ناگواری باشیم که در آن‌ها نه‌تنها زندگی و دارایی‌های مادی افراد جوامع از بین می‌رود؛ بلکه شأن بزرگ انسانی‌شان نیز گاه شدیداً لگدکوب می‌شود. سرگردانی و وضعیت ناگواری که مهاجرین در مرزها دارند یا پراکندگی فقر به‌اشکال مختلفش در جغرافیای گسترده جهانی و بسیاری موارد تلخ اجتماعی که منجر به وقوع رفتارهایی خارج‌ازعرف و پذیرش هر انسانی در چهارگوشه دنیاست، همگی گامی در مسیر روبه‌زوال شرافت انسانی است که در مسیر رشد «سرمایه‌داری»، سرعت و شدت گرفته است. دکتر «امانوئل کلاپسیس»؛ در مقاله‌ای که ۲ مارس ۲۰۱۱ در سایت Goarch به چاپ رساند، در این زمینه می‌نویسد: «هنگامی که مدرنیته شکل خود را در جوامع توسعه‌یافته پیدا می‌کرد، مرزبندی‌های و خط‌کشی‌های اجتماعی هم شکل تازه‌ای یافتند و آگاهی‌های عمومی نسبت به درک و پذیرش تفاوت‌های قومی، ملی، نژادی، مذهبی و هر ایدئولوژی رایجی در جهان، افزایش یافت. بسیاری از رفتارهای غیرانسانی در مسیر تمدن جدید، منسوخ شدند؛ اما در همین راستا شکل دیگری از زیرسؤال بردن شأن انسان‌ها شکل گرفت و به‌عبارتی دنیای جدید، راه‌های جدید برای تخریب کرامت انسان‌ها پیدا کرد!» آنچه امروز در اخبار و رسانه‌ها مبتنی بر آمارهای مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی شاهد هستیم، به‌شکلی تأسف بار بر این حقیقت صحنه می‌گذارد که چقدر نسبت به ازین رفتن حقوق انسانی خود، بی‌تفاوت شده‌ایم و چقدر نسبت به مسائلی همچون جنگ، خشونت، بزه، گناه، فقر، رنج و... در اطرافمان نگاهی منفعل پیدا کرده‌ایم. در این راستا، مجامع مردم‌نهاد و سازمان‌های مختلفی برای بهبود شرایط انسان‌هایی که کرامتشان آسیب دیده یا حقوق و شأنشان به‌درستی رعایت نمی‌شود، قدم برمی‌دارند. چندسالی می‌شود که مناسبت «روز جهانی کرامت انسانی» مطرح شده و طی آن، افراد مختلف تحت گروه‌های سازمان‌یافته و زیر نظر برنامه‌های مجامعی همچون Globaldignity به فعالیت در این زمینه می‌پردازند. اعضای مؤسس این مجموعه، هدف از ایجاد این مرکز را چنین توصیف کرده‌اند: «معتمدیم هر انسانی روی کره زمین حق استفاده از زندگی شرافتمندانه را دارد و آن‌هایی که می‌توانند، باید به آن‌هایی که نمی‌توانند کمک کنند». در فرهنگ واژه‌یاب Encyclopedia در تعریف «کرامت» آمده است: «شایستگی برای احترام و افتخار؛ نگاهی به اطراف خود بیندازید و ببینید شخصاً در زندگی‌تان، چقدر شأن انسان‌های پیرامونتان را حفظ می‌کنید و چقدر برای بهبود شرایط زیستی‌شان باتوجه به حریم انسانی، برایشان گام برمی‌دارید؟ تا به حال فکر کرده‌اید که نوع رفتار و نگرش هر یک از ما در مورد منزلت اجتماعی افراد، چه تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد؟ گاهی یک حرف ساده، یک نگاه تحقیرآمیز یا حتی یک نادیده‌گرفتن می‌تواند منجر به «مشکلات روحی و شخصیتی» در افراد شود؛ مثلاً آن‌طور که در گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) آمده: تخریب کرامت انسانی، یکی از علل ریشه‌ای در بروز مشکلات حاد روانی است که تبعات بسیاری





حقوق بشر آمریکایی؛ شوخی تلخ تاریخ با واژه‌ها

«حقوق بشر آمریکایی»؛ عبارتی معنادار و پُرکنایه در جهان سیاست و یکی از محورهای کلیدی سخنان آیت‌الله «سید ابراهیم رئیسی» رئیس‌جمهوری ایران در نشست با اصحاب رسانه‌های ایالات متحده است؛ عبارتی فریبنده که در واقعیت به خون هزاران انسان در نقاط مختلف جهان آغشته و حتی ناقض حقوق شهروندان کشورش است. دوسال پس از تصویب قانون اساسی آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی، نگرانی‌ها از قدرت بالای دولت در برابر شهروندان باعث شد تا ۱۰ اصلاحیه به این قانون اضافه شود که به «منشور حقوق ایالات متحده» (United States Bill of Rights) معروف شد. این ۱۰ متمم با هدف کاستن از قدرت دولت فدرال و افزایش آزادی‌های عمومی به قانون اساسی آمریکا الحاق شدند و پس از آن نیز به مرور زمان ۱۷ اصلاحیه دیگر به قانون اساسی آمریکا اضافه شد. تصویب منشور حقوق ایالات متحده ساده نبود و در ابتدا برخی ایالات این کشور و در صدرشان ایالات جنوبی نظیر میسیسیپی، کارولینای جنوبی و آلاباما با این قانون سرسختانه مخالفت کردند و دولت برای مجاب‌کردن این ایالت‌ها، حضور نمایندگان آن‌ها در کنگره را مشروط به پذیرش این قانون اعلام کرد. تصویب این قانون از این نظر مهم بود که موجب شد رؤیای آزادی فردی و انسانی افراد مورد توجه قرار بگیرند؛ آزادی‌هایی که عملاً زیر تیغ تبلیغات دروغین سیاستمداران و رسانه‌ها و تایر نیکولز اشاره کرد که راوی خشونت دامنه‌دار پلیس آمریکا با کارنامه تجاوز، قتل و باج‌خواهی ست. اواسط دی ماه گذشته بود که گزارش تکان‌دهنده مؤسسه مردم‌نهاد آمریکایی موسوم به «رصد خشونت پلیس» مبنی بر اینکه روزانه به طور متوسط بیش از سه نفر در آمریکا توسط پلیس با سلاح گرم به قتل می‌رسند، منتشر شد. آماري که رکورد جدیدی در قتل و خشونت پلیس این کشور ثبت کرد و به عبارتی سال گذشته فقط ۱۲ روز در تقویم ایالات متحده وجود داشت که هیچ قتلی توسط پلیس صورت نگرفته است. این مؤسسه آمار قتل‌های صورت گرفته فقط توسط پلیس آمریکا را در سال ۲۰۲۲ یک هزار و ۱۷۶ نفر اعلام کرد که بالاترین آمار از سال ۲۰۱۳ است. علاوه بر قتل‌هایی که از سوی پلیس به صورت روزانه علیه مردم و شهروندان آمریکایی صورت می‌گیرد، در سال گذشته میلادی اخبار زیادی از قتل‌های بیش از یک نفر در مکان‌های عمومی آن هم بدون دلیل واضح منتشر شده که رسانه‌های دولتی عاملان‌شان را افراد خودسر معرفی کرده و آن‌ها را جزو قتل‌های معمولی هم به حساب نمی‌آورند. طبق تعریف دفتر تحقیقات فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) این نوع قتل‌ها در سال ۲۰۲۲ در مقایسه با دو سال قبل از آن (۲۰۲۱ و ۲۰۲۰) افزایش داشته است و برای مثال در آماري که این نهاد امنیتی از سال ۲۰۲۱ منتشر کرد مشخص است که تعداد قتل‌های کلی صورت گرفته در این سال ۲۲ هزار و ۹۰۰ مورد بود که از ۲۲ هزار قتل گزارش شده در سال ۲۰۲۰ بیشتر شده است. این آمار به معنای نرخ حدودی ۶.۹ قتل در هر ۱۰۰ هزار آمریکایی و چیزی معادل یا بیش از نرخ قتل‌های گزارش شده مشابه در هائیتی، تانزانیا و افغانستان است. رفتار خشن با پناه‌جویان، زندانی‌کردن، رفتارهای غیرانسانی با آن‌ها تنها بخش کوچکی از موارد نقض حقوق پناهندگان و مهاجران از سوی آمریکاست. این رویکرد یکی از چالش‌های مهم آمریکا در حوزه حقوق بشر است که هرساله از سوی نهاد‌های مرتبط مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

محسوب می‌شود. بیش از ۶۰۰۰ زندانی به‌طور مطلق در انزوا نگهداری می‌شوند و حدود ۱۰۰۰ نفر از این تعداد یک‌دهه در چنین شرایطی بوده‌اند. در ارتباط با شمار زندانیان در آمریکا لازم به ذکر است در حالی که آمریکا کمتر از پنج درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، سیستم زندان آن حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت زندانی جهان را در خود جای داده است. به گزارش اندیشکده پرپسون پالیسی؛ اگرچه این روند از سال ۲۰۰۸ کاهش جزئی داشته، جمعیت کل آمریکایی‌های زندانی از سال ۱۹۷۰ تا پنج برابر افزایش یافته است. چندی پیش گلوبال تایمز در این باره نوشت: سیستم قضائی آمریکا در حال حاضر حدود دویلمیون و ۳۰۰ هزار نفر را در ۱۸۳۳ زندان ایالتی، ۱۱۰ زندان فدرال، ۱۷۷۲ مرکز اصلاح و تربیت نوجوانان، ۳۱۳۴ زندان محلی، ۲۱۸ بازداشتگاه مهاجران و ۸۰ زندان برای بومیان و همچنین در زندان‌های نظامی، مراکز تعهد مدنی، بیمارستان‌های روان پزشکی ایالتی و زندان برای تروریست‌ها نگهداری می‌کند. اگرچه جمعیت آمریکایی‌های آفریقایی تبار کمتر از ۱۴ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهد اما حدود ۲۴ درصد تیراندازی‌های مرگبار توسط پلیس از سال ۲۰۱۵ تاکنون به آن‌ها مربوط می‌شود. تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد میزان تیراندازی مرگبار پلیس به سیاه‌پوستان غیر مسلح در ایالات متحده بیش از سه برابر بیشتر از افراد سفیدپوست است. آمریکا که هر سال با عنوان دروغین حمایت از حقوق بشر شماری از کشورهای جهان را تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد، خود از مرتکبان جدی نقض حقوق بشر در جهان است که این جرم با مرگ جورج فلویید زیر زانوهای پلیس آن کشور و ادامه حمایت از گروه‌های تروریستی در افغانستان و سوریه عیان شد. آمریکا در دهه‌های گذشته همواره ادعای دفاع از مبنای و اصول حقوق بشر را داشته و بر پایه این اظهارات به خود اجازه داده است تا در مورد وضعیت حقوق بشر در سایر کشورها اظهارات مداخله‌جویانه داشته باشد. از آغاز جنگ در ویتنام که به کشتار وحشیانه مردم این کشور انجامید تا حمله نظامی به افغانستان، عراق و سوریه که ده‌ها هزار کشته و زخمی برجای گذاشته و موجب گسترش قطعی شده و این روند همچنان ادامه دارد. بررسی دقیق مواضع حقوق بشری آمریکا صراحتاً نشان می‌دهد دولت‌مردان این کشور موضع‌گیری در خصوص وضعیت حقوق بشر در سطح جهان را بر مبنای ترجیحات و منافع سیاسی انجام می‌دهند که موجب استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر در سطح بین‌المللی می‌شود. نکته مهم در این زمینه این است که چنین قضاوت‌ها و نظراتی مبنای رفتار سیاسی آمریکا در رابطه با کشورهای هدف است که باعث ایجاد فشارهای سیاسی می‌شود؛ این در حالی است که این کشور در داخل در ارتباط با شهروندان خود به‌طور مکرر و فاحش حقوق بشر را نقض می‌کند.

سعید زارع کندی/ایرنا

حین فرآیند درخواست مهاجرت خود نمی‌توانند از مشاور حقوقی نیز بهره‌مند شوند. از سویی این مهاجران متهم به ارتکاب جرمی که نشده و از حق برخورداری از جلسه استماع به‌منظور توجیه حبسشان محروم هستند. در حالی که آمریکا یکی از بزرگ‌ترین زندان‌ها در جهان شناخته می‌شود، دولت ایالات متحده با تبلیغات دروغین همواره خود را حامی زنان و خانواده معرفی می‌کند. بر اساس برخی گزارش‌ها؛ بیش از ۵۸ درصد زنان زندانی در زندان‌های ایالتی آمریکا دارای فرزند زیر ۱۸ سال بوده و بین ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱، تعداد زنان زندانی بیش از پنج برابر افزایش یافته و از ۲۶ هزار و ۳۲۶ نفر در سال ۱۹۸۰ به ۱۶۸ هزار و ۴۴۹ نفر در ۲۰۲۱ رسیده. در سال ۲۰۲۱، نرخ زندان برای زنان سیاه‌پوست ۱۶ برابر میزان زندانی شدن زنان سفیدپوست بود و زنان لاتین تبار هم ۱۰۳ برابر زنان سفیدپوست زندانی شدند. از همین رو بود که انسیه خزلی (معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده) اعلام کرد که آمریکا در مورد نقض حقوق بشر متهم است و بر نقض حقوق زنان در کشور خود، سرپوش می‌گذارد. وی تأکید دارد که آمریکا در مورد حقوق بشر متهم است در حالی که با فرار به جیب و ژست مدعی‌مآبانه بر مسئله نقض حقوق زنان در کشور خود، سرپوش می‌گذارد. وی تصریح کرده است که حقوق زنان آمریکایی در بخش‌های مختلف از جمله تعدی و آزار جنسی، ازم پاشیدگی ساختار سالم خانواده و خانوارهای تک‌والد، خشونت و قتل زنان خصوصاً زنان بومی، آمار بالای زندانیان زن، مرگ‌میر مادران، همین‌طور کاستی دریافت دستمزد زنان نسبت به مردان و بسیاری امور دیگر نقض می‌شود. آمریکا به عنوان کشور مدعی حقوق بشر با کمتر از پنج درصد جمعیت جهان حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت زندانی کره خاکی را در خود جای داده؛ ضمن اینکه آتش تبعیض نژادی سیستماتیک، دامن اقلیت‌های قومی - نژادی نظیر سیاه‌پوستان را گرفته تا این اقلیت ۱۴ درصدی، یک سوم جمعیت زندانی آمریکا را تشکیل دهند. اگرچه خشونت سامانمند پلیس و نظام قضایی آمریکا بر کس پوشیده نیست اما چندی پیش انتشار خبری مبنی بر خورده شدن یک زندانی توسط حشرات، جهان را در شوک فروبرد. مایکل دی‌هرپر؛ وکیل خانوادگی لاشان تامپسون (زندانی که در ایالت آتلانتا آمریکا دوران محکومیتش را می‌گذرانده) می‌گوید: «این زندانی که در سلول زندان جان خود را از دست داده، زنده‌زنده توسط حشرات و ساس‌ها خورده شده است». پیش از آن نیز روزنامه گاردین به انتشار گزارش دانشکده حقوق دانشگاه ییل آمریکا پرداخت؛ گزارشی از وضعیت زندان‌های این کشور که نشان می‌داد برخلاف ادعاهای حقوق بشری آمریکا، حداقل استانداردهای سازمان ملل در مورد زندانیان رعایت نمی‌شود. در این گزارش با استناد به آمارهای دولتی آمده بود که در حال حاضر حدود ۵۰ هزار نفر از زندانیان آمریکایی در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند که طبق قوانین سازمان ملل این نوع زندانی شکنجه

بر اساس گزارش‌های منتشره؛ از زمان روی کار آمدن دولت جو بایدن (رئیس‌جمهوری آمریکا) سیاست مهاجرتی وی برخلاف ادعاهایش بسیار ضعیف بوده و هیچ چشم‌اندازی برای بهبود شرایط مهاجران در آمریکا وجود ندارد. طبق گزارش‌های گشت مرزی آمریکا؛ در دوره ریاست‌جمهوری دو دموکرات و دو جمهوری خواه بیش از ۸۰۰۰ مهاجر در مرزهای جنوب غربی آمریکا جان خود را از دست داده‌اند. یکی از آژانس‌های سازمان ملل تخمین می‌زند که ۶۵۰ مهاجر در ۲۰۲۱ در این منطقه مرزی جان خود را از دست داده‌اند. مرگ مهاجران در تلاش برای عبور از مرزهای جنوب غربی آمریکا بیش از دوده است که به یک رسوایی ملی تبدیل شده است. نهاد حقوق بشری «اول حقوق بشر» در گزارشی اعلام کرد که دولت بایدن ده‌ها هزار پناه‌جو را با نقض قوانین جهانی و آمریکا، چند هفته قبل از رسیدن تعداد زیادی از آنان به مرز جنوبی، زندانی کرده است. در این گزارش گفته شده اداره مهاجرت و گمرک (ICE) ده‌ها هزار نفر را به جای اینکه به آن‌ها اجازه دهد با خانواده یا حامیان مالی خود در ایالات متحده آمریکا زندگی کنند در زندان‌ها نگاه داشته است. این گروه اعلام کرده که زندانی کردن پناه‌جویان غیر انسانی و غیر ضروری است و آنان را بی‌جهت در معرض آسیب‌های شدید جسمی و روانی، بی‌توجهی پزشکی و تبعیض قرار داده است. این گزارش با عنوان «من اینجا یک زندانی‌ام؛ سیاست‌های دولت بایدن پناه‌جویان را حبس می‌کند» نشان می‌دهد از زمان روی کار آمدن بایدن، در سال قبل پناه‌جویان به‌طور متوسط ۳۰۷ ماه در بازداشتگاه‌های نگهداری می‌شوند. بازداشت پناه‌جویان کلاً طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است جز در شرایط استثنایی. علاوه بر این میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی بازداشت غیرقانونی، غیر ضروری، نامتناسب یا خودسرانه را ممنوع می‌کند. سازمان‌های حقوق بشری می‌گویند که بازداشت پناه‌جویانی که مرتکب جرمی نشده‌اند، نقض حق آزادی آن‌هاست. گفتنی است؛ پناه‌جویان از جوامع دارای اکثریت سیاه‌پوست که در مقایسه با پناه‌جویانی که از کشورهای دیگرند به‌طور متوسط ۲۷ درصد مدت بازداشت طولانی‌تر متحمل شده‌اند. علاوه بر موارد گفته شده؛ دیوان عالی ایالات متحده حکمی صادر کرده مبنی بر اینکه جلسات استماع تعیین وثیقه به مهاجران زندانی در این کشور تعلق نمی‌یابد؛ یعنی مقام‌های آمریکا می‌توانند هزاران تن از مهاجرانی که پرونده‌هایشان همچنان در جریان است و اکنون در زندان‌های فدرال بسر می‌برند به‌طور نامحدود در حبس نگاه دارند. بر اساس این گزارش؛ دیوان عالی همچنین حکم کرده که دادگاه‌های فدرال از اختیار لازم جهت اعطای آزادی گروهی به زندانیان برخوردار نیستند و به عبارت دیگر چنانچه هر یک از زندانیان قصد به چالش کشیدن حکم را دارند، باید به صورت فردی اقدام کند. این در حالی است که مهاجران محبوس

KHAMENEI.IR

مبارزه با تروریسم

هدف قرار دادن مردم بی‌دفاع به وسیله بمب و سلاح

بی‌ارزش شمردن جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و گران شمردن آن در آمریکا و غرب اروپا

مهم دانستن امنیت آمریکا و اروپا و بی‌اهمیت شمردن امنیت بقیه بشریت

حقوق بشر

تأمین منافع غرب به نام حقوق بشر

جبهه استکباران

سوءاستفاده

قوانین بین‌المللی

تحویل منافع خود به نام قوانین بین‌المللی



جامعه جهانی

به کرسی نشاندن سخنان تحکم آمیز و غیرقانونی خود به نام جامعه جهانی

مفاهیم شریف

«شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمطلق، ناعادلانه و کاملاً غیردموکراتیک است. با سوءاستفاده از همین سازوکار غلط است که آمریکا و هم‌دستانش توانسته‌اند زورگویی‌های خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند.» این اینفو گرافیک مروری گذراست بر مصداق این مفاهیم شریف در بیانات رهبر معظم انقلاب در افتتاحیه اجلاس سران غیرمتعهد در تهران

دموکراسی

دخالت نظامی در کشورها به نام دموکراسی



یکی از ویژگی‌های شخصی که مخاطب، «داریوش فرهنگ» را با آن به خاطر می‌آورد، صدای خاص و جذاب اوست. البته لحن او نیز در گفتن دیالوگ‌ها و روایت کردن، باعث شده تا آنچه می‌گوید، شنیدنی شود. اگر به صدای این هنرمند علاقه دارید، بد نیست بدانید که کتاب صوتی «شکوفه‌های عتاب» از نوشته‌های «رضا جولایی»؛ با صدای او «گلاره عباسی» منتشر شده است. داستانی تاریخی که به موضوع به توپ بستن مجلس در زمان «محمدعلی شاه قاجار» و قتل «میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل»؛ روزنامه‌نگار آزادی خواه می‌پردازد. این اثر را «رادیو گوشه» منتشر کرده است.



بازیگری به روایت خالق «سلطان و شبان»

«داریوش فرهنگ»؛ از مبدأ آبادان تا مقصد شهرت

«داریوش فرهنگ درخشانی» در ۶ آذرماه سال ۱۳۲۶ در «آبادان» و در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. او پس از درگذشت پدرش در هشت سالگی به همراه خانواده به زادگاه مادرش مهاجرت کرد. مادرش از طایفه اصیل «شهیدی زندی جوپار» است. دبستان و دبیرستان را در «کرمان» گذراند و پس از آنکه در دانشگاه پذیرفته شد، به «تهران» رفت. در سال ۱۳۵۲ در رشته کارگردانی تئاتر از «دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران» فارغ التحصیل شد. «فرهنگ» با «سوسن تسلیمی» ازدواج کرد؛ اما این ازدواج چندسالی بیشتر به طول نینجامید و آن‌ها در سال ۱۳۶۸ از هم جدا شدند. در سال ۱۳۶۹ با «رزیتا اربابیان» ازدواج کرد و صاحب فرزندى به نام «مانی» شدند. او فعالیت در تئاتر را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ گروه تئاتر «پیاده» را بنیان گذاشت. نخستین فعالیت مقابل دوربینش، با بازی در فیلم کوتاه «سلندر» (واروژ کریم مسیحی) در ۱۳۵۹ بود. بعد با فیلم نامه‌نویسی و کارگردانی اثر ۶۵ دقیقه‌ای «رسول؛ پسر ابوالقاسم»، فعالیت حرفه‌ای را در سینما آغاز کرد. او در بخش‌های دیگر صنعت سینما همچون طراحی صحنه و لباس، طراحی تیتراژ و تهیه‌کنندگی نیز فعالیت داشته است. نخستین ساخته تلویزیونی او، مجموعه «سلطان و شبان» نام داشت که بخش آن در سال‌های آغازین دهه ۶۰ با استقبال زیادی روبه‌رو شد. دیپلم افتخار بهترین فیلم (دو فیلم با یک بلیت) از نهمین دوره جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۹)، سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیئت داوران (دو فیلم با یک بلیت) از نهمین دوره جشنواره فجر (۱۳۶۹)، نامزدی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد (دو فیلم با یک بلیت) در نهمین دوره جشنواره فجر (۱۳۶۹)، نامزدی سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی (دو فیلم با یک بلیت) در نهمین دوره جشنواره فجر (۱۳۶۹) و انتخاب «طلسم» به عنوان پنجمین فیلم سال (دوره دوم منتخب نویسندگان و منتقدان؛ ۱۳۶۶) جزو افتخارات کارنامه هنری او هستند.

«داریوش فرهنگ» در کارگاه «بازیگری و کارگردانی در سینما» (به میزبانی «موزه سینما») برگزار شد. بایان اینکه هنرمندان مایه از جان می‌گیرند و خرد از خردورزی آغاز می‌شود، گفت: «امیدوارم همگی مادر مسیر پیش رو نلغزیم چراکه لغزش باعث عقب ماندگی و کهنه پرستی می‌شود. من معتقدم همه انسان‌ها دارای استعدادند و این ارزش درونی است که باید پرورش یابد. درخت پرباری را تصور کنید که امسال دارای میوه‌های خوش طعم و لذیذ است. اگر سال دیگر این درخت خوب آبیاری و رسیدگی نشود، آیا بازهم آن طراوت را خواهد داشت؟ بنابراین، در ابتدا نیاز است تا از هرکاری مراقبت شود. یک الماس اگر خوب صیقل داده نشود، ارزش و جذابیت نخواهد داشت». کارگردان «طلسم» ادامه داد: «سینما دارای زبان و احساسات بین‌المللی است. افرادی که می‌خواهند وارد کار هنر شوند، با عقل، شعور، اندیشه، احساس، روح و جسم روبه‌رو بوده و باید برای پرورش آن‌ها تلاش کرده تا از یک دورنما برخوردار باشند». او ادامه داد: «سینما یک هنر بین‌المللی است و برخلاف تئاتر و تصویر عمومی؛ هنر عکس‌العمل است و برای تقویت بنیان‌های آن الفبایی وجود ندارد؛ مانند نقاشی که به طراحی؛ یا موسیقی که به نت‌نویسی نیاز دارد. همه مردم برای یک بار می‌توانند خوب بازی کنند اما باید دید صرفاً طالب ورود به این حرفه هستیم یا ماندن در آن را می‌خواهیم. همه می‌توانند وارد بازیگری شوند اما برای ماندن در این حرفه خیلی کارها باید انجام شود و رنج‌های فراوانی را باید متحمل شد و تا ابد در جست‌وجوی آموختن باقی ماند؛ چراکه این حرفه همچون اقیانوسی است که پایانی ندارد». او گفت: «در این حرفه پس از مدت طولانی می‌توان به نقطه اوج رسید؛ اما نقطه پایانی نیست. حافظ شعری دارد که در آن می‌گوید از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود/ زنه‌ار از این بیابان وین راه بی‌نهایت ... شاملو نیز شعری دارد چنین: بر سر هر چهارراهی چهارراهی ست و در ادامه راه نیز چهارراه‌های دیگری وجود دارد. این مسیر ادامه دارد و باید بدانیم که از کدام جهت باید به راه خود ادامه دهیم و این تجربیات انسان به او می‌آموزد از کدام مسیر باید طی طریق کند. از انجام سیاه‌مشق نمی‌توان به جایی رسید اما تجربه به معنی یک قدم جلوتر رفتن است و از این رو، تکیه بر آن اهمیت بسیار دارد». کارگردان «دو فیلم با یک بلیت» افزود: «در هر محدوده و اندازه‌ای که هستید باید درصدد آموختن الفبای این هنر باشید. بهترین روش برای ورود به این حرفه و ماندگاری در آن، در همین نکته نهفته است. هنر یعنی برقراری ارتباط و ایجاد دیالوگ و اول باید بدانیم چه کسی چه چیزی می‌گوید، چرا و چگونه می‌گوید و در مقابل؛ ما چه می‌گوییم و چگونه باید جواب دهیم و اصلاً چرا نیاز به پاسخ‌گویی داریم. سرعت انتقال و انگشت‌گذاشتن روی این احساسات مشترک دارای ریزه‌کاری‌هایی است که به تدریج به آن می‌رسیم. یک اتفاق ساده مانند افتادن برگ درخت یا تصویر آشیانه پرنده‌ای که برای اولین بار می‌خواهد فرزندش را به پرواز درآورد، می‌تواند جرقه‌ای برای ساخت فیلم باشد. من نزدیک به



یعنی ساده‌ترین روش برای بیان مطلب، در سادگی، حصول و ناب‌بودن نهفته است و نباید سادگی را با واژه آسان اشتباه گرفت. یک مسئله ازلی و ابدی وجود دارد؛ اینکه چه فیلمی بسازیم که هم خود آن را دوست بداریم، هم تأیید شود و هم مخاطب از آن استقبال کند؟ رویکرد کلاسیک به این معضل پاسخ داده. کلاسیک به معنای تعادل، توازن و تناسب است. این سه کلمه را جدی بگیرید و روی آن فکر کنید. «این بازیگر در ادامه گفت: «آیا فکر می‌کنید بزرگان و نوابغ ادبیات ما به راحتی شعر گفته‌اند و نبوغ خود را به رخ کشیدند؟ این‌گونه نبوده. آن‌ها نیز همه این راه‌ها را طی کرده‌اند. در حرفه سینما، همیشه ناملیمات بیشتر بوده و به خصوص در شرایط امروزی اوضاع پیچیده‌تر شده است. تنها دو راه وجود دارد؛ یا باید همچنان کارکرد یا تسلیم شد. کتاب‌ها و فیلم‌هایی هستند که توانسته‌اند با وجود همه دشواری‌ها، راه خود را باز کنند. من فیلمی به نام طلسم در زائر دلهره و گوتیک ساخته‌ام که حال و هوای سنگینی برای سینمای ایران داشت. هدفم از ساخت طلسم این بود که راه متفاوتی را تجربه کرده و بتوانم برای دل خود و مطابق با سلیقه‌ام اثری را تولید کنم. امروزه چنین کاری بسیار مشکل است. متأسفانه اگر از پاورقی نشریات فیلم‌نامه نوشته شود، مخاطب بیشتری جذب فیلم می‌شوند تا اثری که در آن شعر و شعور است.» او درباره چگونگی رسیدن به نگاه شخصی و ایده‌های بکر، بیان داشت: «من هیچ‌وقت با اکثریت موافق نیستم. اینکه هم‌رنگ مخاطب و جمعیت شویم، هیچ‌گاه سلیقه من نبوده. نمی‌توانیم فکرهای مبهم داشته باشیم. برای بهره‌بردن از ویژگی‌های ممتاز و عبور از تکراری شدن، کارهای زیادی را باید صورت داد. یک فرم تکراری راه به جایی نمی‌برد. برای انجام این کار، اول باید خود را در آینه ببینیم تا بدانیم مسلح هستیم یا خیر. یک ورزشکار هم برای فعالیت حرفه‌ای، مدتی وارد قرنطینه می‌شود. نمی‌شود کم‌کاری پیشه کرده و به تاریخ نگاهی نکرد. چه می‌شود که اثری شاهکار نظیر شاهنامه شکل می‌گیرد و باعث زنده شدن غرور ملی می‌شود. قدم اول این است که باید خود را مسلح کنیم.» او سینما را همچون سفری دانست که دارای مبدأ و مقصد است و ادامه داد: «در میان این راه تنهایی، رنج، گرسنگی، هوای بد و ناخوش وجود دارد؛ پس یا باید تسلیم شرایط شد یا مبارزه کرد و در پی پیدا کردن راه بود. هرگز نباید تلاشی کنیم تا قدم‌های بزرگ برداریم. برای مثال فیلم ساختن درباره خلقت به دلیل آنکه مفهوم بزرگی است، الزاماً باعث شکل‌گیری اثر فاخر نمی‌شود. در این حرفه تماشای فیلم، کتاب خواندن، نقاشی و عکس دیدن به یکدیگر مربوط؛ و بر کیفیت خروجی نهایی مؤثر است.» او درباره ویژگی‌هایی که یک بازیگر باید واجد آن باشد گفت: «همه چیز برای بازیگر لازم و ضروری است. ورزش، خوب دیدن، هماهنگ کردن زبان بدن با احساسات برای او بسیار مهم است. مواردی نظیر بهره‌مندی از آمادگی جسمانی مطلوب روزی در بازیگری به کار می‌آید. ضروری است تا آسان از کنار هر مسئله‌ای عبور نکنید.» او افزود: «سینما یعنی توجه به جزئیات و به معنای حذف کردن است. باید توجه داشته باشیم هنری که چیزی به این جهان اضافه نکند، ارزشی نخواهد داشت. اگر نمی‌توانید به این جهان بیفزایید، حداقل چیزی هم از آن کم نکنید.»

۵۰ سال است پیاده روی می‌کنم. یک بار شاهد پرواز گروهی از کلاغ‌ها بودم که در ادبیات و در نگاه ما موجودات چندان دل‌چسبی نیستند. انبوهی از کلاغ‌ها دور هم جمع شده بودند تا به جوجه‌کلاغی کمک کنند پرواز کند. معتقدم از موارد خیلی ساده می‌شود به ایده‌های درخشانی رسید. به قول عباس کیارستمی؛ چیزهایی که می‌بینیم و به سادگی از کنار آن رد می‌شویم سرشار از نادیده‌ها هستند. او می‌گوید فیلم من وقتی تمام می‌شود تازه در ذهن مخاطب آغاز می‌شود. این جمله، نتیجه یک عمر تجربه و شاعرانگی در نگاه کیارستمی به زندگی بود. باید ذهنیت بخشیدن به ایده‌ها و نوع نگاه را تقویت کرد.» او در پاسخ به سؤال یکی از حاضران مبنی بر اینکه از چه زمانی متوجه علاقه خود به بازیگری شد؟ پاسخ داد: «شاید افراد زیادی بخواهند بازیگر شوند و ممکن است در خلال این کار متوجه شوند می‌توانستند نقاش یا نویسنده خوبی شوند. بازیگری برای دیده شدن است. افراد احساس می‌کنند نگاه ویژه‌ای دارند که می‌خواهند آن را با دیگری در میان بگذارند. من شیفته و دیوانه سینما بودم و از کلاس دوم ابتدایی این علاقه در من به وجود آمد. من متولد آبادان هستم و تا نه‌سالگی در آنجا زندگی می‌کردم. بعد از فوت پدرم، به کرمان که سرزمین مادری‌ام بود، مهاجرت کردم. تمام هشت‌سالگی‌ام در سینما گذشت. اولین فیلمی که مرا درگیر خود کرد، مشعل و کمان بود. پس از مدتی وارد سالن‌های سینما شدیم. بلیت آن زمان ۴۰۰ شاهی بود. رفته‌رفته دیدیم این ۴۰۰ شاهی‌ها دارند مصرف می‌شوند و در مقابل، چیزی به دست نمی‌آورم. به فکر رسید تا فیلم‌هایی که می‌دیدم را برای بچه‌ها در مدرسه بازی کنم. آن قدر علاقه‌مند به این نمایش زیاد شد که معلمان هم به جای آنکه مشغول تدریس باشند، به من خیره می‌شدند. در آن زمان فیلم‌ها نه دوبله بود و نه زیرنویس داشت؛ بلکه دارای میان‌نویس بود. در آن دوران عده‌ای بی‌سواد به سینما می‌آمدند و ما فکر کردیم متن میان‌نویس‌ها را برای آن‌ها بخوانیم و از این طریق پولی به دست آوریم. گاهی دو فیلم را با یک بلیت می‌دیدیم؛ همین موضوع بعدها عنوان یکی از فیلم‌های من شد.» کارگردان مجموعه «سلطان و شیبا» درباره فرآیند جذب سرمایه توسط هنرجویان فیلم‌سازی نیز گفت: «این مسئله در تمام دنیا و همواره دغدغه جوان‌هایی بوده است که به فیلم‌سازی علاقه‌مند هستند. باید بدانیم که سرمایه اصلی خود ما هستیم. اسپیلبرگ که این روزها شهرت و درآمد هنگفتی دارد، با فلاکت و مشکلات بسیار توانست فیلم اول خود را بسازد. شرایط تکنیکی در سینما رشد قابل توجهی داشته و با دوربین‌های دیجیتال به سادگی می‌شود فیلم ساخت. تنها کافی است یکی از دوستان شما دوربین داشته باشد. در سینما فرم و ایده است که اهمیت دارد و یافتن سرمایه‌گذار به تدریج اتفاق می‌افتد. سینما در وضعیت حرفه‌ای، هنری گران است؛ در حالی که شعر، عکاسی، نقاشی و نویسندگی از لحاظ نیاز به ابزار، ارزان‌تر هستند. می‌توان تنها با یک دوربین دیجیتال فیلم ساخت اما برای رسیدن به ایده باید جان کند.» او درباره اصول اساسی ساخت یک فیلم گفت: «تکنیک در سینما از حیث اهمیت در آخرین مرحله است. ظرف دوروز می‌توانم همه تکنیک‌های سینمایی را به شما یاد دهم؛ اما اصل در سینما، تکنیک یا سبک نیست. سبک

در گزارش Oxford Reference تشریح شد؛

آیا طبقه اجتماعی علائق ورزشی ما را تغییر می دهد؟



«ورزش» و «طبقه اجتماعی» به شکلی پیچیده باهم ترکیب شده‌اند. تحقیقت نشان می دهد که اگرچه نه همیشه؛ اما عمدتاً به دلایل مختلف، افراد، بسته به اینکه در کدام «طبقه اجتماعی» متولد شده‌اند، تصمیم می گیرند که به کدام «ورزش» علاقه مند شوند! مثلاً به طور کلی، طبقات بالا نسبت به ورزش هایی همچون «گلف»، «تنیس» و «شنا» که بر «فردگرایی» و «زیبایی شناسی» تأکید دارند، علاقه بیشتری دارند. طبقات پایین تر معمولاً ورزش هایی مانند «بوکس» و «بسکتبال» را دوست دارند که بر «کار گروهی» و «قدرت بدنی» تأکید دارند و البته حضور در آن ها به «پول زیاد» نیاز ندارند. برخی رشته ها مانند «بیسبال» نیز از نظر «طبقه اجتماعی» نسبتاً «خنی» در نظر گرفته می شوند. با اینکه در جاتی از «تحرك اجتماعی» در آموزش و ورزش نقش دارد؛ اما ضامن موفقیت نیستند و این طور نیست که قهرمان های ورزشی حتماً از طبقات پایین جامعه باشند. مقاله ای درباره «نقش طبقات اجتماعی در ورزش» که در سایت Oxford Reference منتشر شده؛ با اشاره به این موارد، می افزاید: «کارل مارکس» (نظریه پرداز، جامعه شناس، اقتصاددان و فیلسوف آلمانی) اساسی ورزش را ریشه در بافت اقتصادی آن می دانست که در معرض کالایی شدن و بیگانگی ست. «نئومارکسیسم» نیز ورزش را «ابزار ایدئولوژیک بورژوازی» می داند که برای فریب توده ها در جهت «حفظ کنترل» استفاده می شود؛ ورزشکاران، نیروی کار خود را در عرصه ورزش رها کرده و تبدیل به یک «کارگر ورزشی بیگانه شده از ماهیت انسانی» می شوند. نظریه پردازان این رهیافت معتقدند: جُدا از حمایت از «سرمایه داری صنعتی»؛ ورزش اساساً «فعالیت بدنی سنگین و کار بیش از حد» را نیز به عنوان چیزی «مثبت» تبلیغ می کند. از نظرگاه آن ها، بخش تخصصی نیروی کار ورزشکاران به جای ارائه فعالیت «خلاقانه، تجربی و آزادانه»، پیوسته حرکات مشابه را انجام می دهند؛ و اگرچه ورزشکار اغلب در «توهم آزاد بودن» است؛ اما از دست دادن کنترل بر نیروی کارش بی خبر است. در اینجا، تماشاگران نیز با حمایت و مشارکتشان، از «بیگانگی شغلی» ورزشکاران حمایت می کنند. تئوری های «مارکسیستی» برای تحقیق در مورد «کالایی شدن ورزش» استفاده شده است؛ اینکه ورزشکاران چگونه خود به کالا تبدیل می شوند یا این روند را ترویج می کنند، تجاری سازی بیش از حد ورزش، تبدیل باشگاه ها به شرکت های سنتی؛ یا نهاد های ورزشی به برنند! آیا واقعاً این گونه است؟ قطعاً همه نظریه ها مخالفانی دارد؛ این رویکرد نیز به دلیل گرایش به «اقتصادگرایی خام» مورد انتقاد قرار گرفته است. حمایت از تیم های ورزشی لزوماً با رشد آگاهی طبقاتی و حضور در مبارزات طبقاتی «منافات» ندارد؛ مثلاً رویدادهای ورزشی، بعضاً بستر اعتراض سیاسی هم بوده اند. تحلیل نئومارکسیستی ورزش در واقع، اغلب جنبه زیبایی شناسی ورزش را نیز دست کم می گیرد. فارغ از چنین نگاهی، درباره نقش طبقه اجتماعی بر انتخاب های ورزشی افراد، در این گزارش بیشتر خواهیم خواند.

شرکت‌های فناوری و سیاست‌گذاران نسبت به «شکاف دیجیتال» هشدار دادند که در آن، کودکان فقیر ممکن است بدون دسترسی برابر به فناوری، از همسالان مرفه‌تر عقب بمانند. امروزه، با دسترسی گسترده به اینترنت و مالکیت موبایل هوشمند، این شکاف به شدت کاهش یافته؛ اما (با هیاوهی کمتر) تقسیم‌بندی متفاوتی ظاهر شده است؛ در سراسر کشور (آمریکا)، کودکان و نوجوانان فقیر به مراتب کمتر وارد رشته‌های متنوع ورزشی می‌شوند؛ نام آن را «شکاف فیزیکی» بگذارید. داده‌های متعدد نشان می‌دهد: شکافی قابل توجه در مشارکت ورزشی برپایه سطح درآمد هست. یک مطالعه «مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری» (CDC) نشان داد که ۷۰ درصد کودکان خانواده‌هایی با درآمد بیش از ۱۰۵ هزار دلار (چهار برابر خط فقر) در سال ۲۰۲۰ در ورزش شرکت کردند؛ اما مشارکت برای خانواده‌های با درآمد متوسط، حدود ۵۱ درصد و فقط ۳۱ درصد برای خانواده‌های زیر خط فقر بود. مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۱ روی دانش‌آموزان «سیاتل» (از کلاس پنجم تا دبیرستان) نشان داد که جوانان ثروتمند نسبت به همسالان مرفه‌تر، «کمتر» در ورزش شرکت می‌کنند. این مطالعه همچنین نشان داد که دانش‌آموزان دوره متوسطه از خانواده‌های مرفه‌تر، سه برابر بیشتر از دانش‌آموزان طبقات پایین، از دستورالعمل تمرین بدنی پیروی می‌کنند. در بروز چنین رویکردی، مجموعه‌ای از عوامل مسئول‌اند. کاهش هزینه‌ها و تغییر اولویت‌ها در برخی مدارس دولتی، باعث کاهش کلاس‌های تربیت بدنی و سازمان‌دهی «ورزش» شده است. هم‌زمان، ورزش جوانان نیز به یک «کالای لوکس» و رقابتی تبدیل شده؛ خانواده‌هایی هستند که صدها تا هزاران دلار در هر دوره برای هزینه باشگاه، لباس، تجهیزات، اردوی مسابقات و مربی خصوصی می‌پردازند. «جان سولومون»؛ مدیر تحریریه «برنامه انجمن ورزش و جامعه اسپن» هشدار می‌دهد: «نتیجه خصوصی‌سازی در ورزش این بود که افراد را در شکلی تازه به دو گروه داراها و ندارا تبدیل کرد. تحقیقات اخیر مؤسسه ما نشان داد که در میان کودکان خانواده‌هایی که درآمد کمتر از ۲۵ هزار دلار در سال دارند، مشارکت در سطح سالم فعالیت، از ۳۴٫۱ درصد در سال ۲۰۱۳، به ۲۶٫۶ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است؛ اما بین خانواده‌هایی با درآمد بالای ۱۰۰ هزار دلار، مشارکت در آن دوره از ۴۳٫۹ درصد، به ۴۶ درصد افزایش یافت. بچه‌های کم‌درآمد، اگر به ورزش در محیط مدرسه دسترسی نداشته باشند، در کجا باید فعالیت بدنی خود را انجام دهند؟ جواب این است: هیچ‌جا!» مدارس همیشه این شکاف را پر نمی‌کنند. گزارش اخیر «اتحادیه فعالیت بدنی» (PAA) به مدارس سراسر «ایالات متحده» در زمینه آمادگی جسمانی، نمره D- داده است؛ که تنزل رتبه نسبت به نمره C- در سال ۲۰۱۴ (گزارش قبلی این نهاد غیرانتفاعی) است. نمره جدید، منعکس‌کننده دسترسی کمتر به کلاس‌های منظم تربیت بدنی، زمان باشگاه و تجهیزات در مدارس است. «آن پاولز-نیل»؛ معلم با سابقه تربیت بدنی در «البوکری»، شاهد این مدعا است. برای حدود ۲۰ سال (تا سال ۲۰۱۷) او در مدرسه ابتدایی «جان بیکر» تدریس می‌کرد که عمدتاً دانش‌آموزان خانواده‌های با درآمد متوسط و بالاتر به آن می‌رفتند. او می‌گوید: «آنجا همه دانش‌آموزانم حداقل یک ورزش بعد از مدرسه انجام می‌دادند. فوتبال یا تقریباً هر رشته باشگاهی دیگر». او بعداً به مدرسه‌ای به نام Wherry Elementary نقل مکان کرد؛ جایی که ۱۰۰ درصد دانش‌آموزان واجد شرایط ناهار رایگان یا ارزان قیمت بودند (مدرسه ویژه اقشار کم‌درآمد) که درباره آنجا می‌گوید: «فقط سه دانش‌آموز داشتیم که خارج از مدرسه، به باشگاه یا مجموعه ورزشی می‌رفت. خانواده‌ها از عهده هزینه‌های ورزش‌های غیردولتی بر نمی‌آمدند یا چنانچه مسیر مجموعه‌های تمرینی، خط اتوبوس نداشت، رفت‌وآمد برایشان ممکن نبود». این الگو در تمام ایالت‌های «آمریکا» وجود دارد و نبود تأمین مالی مناسب، باعث شده تا برای سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵، ورزش در دبیرستان‌ها و کالج‌ها محدود یا کاملاً حذف شود. پیشنهاد افزایش مالیات برای تأمین مالی برنامه‌ها رد شده و اعتبارات برای پیگیری اهداف ورزش دانش‌آموزی، کافی نیست. «کریستن ویکل»؛ ناظر مدارس ناحیه واحد ۵ در «مک‌لین» (ایالت ویرجینیا) می‌گوید: «ورزش مدرسه باعث ارتقای نمرات و افزایش سلامت جسمی و عاطفی بین دانش‌آموزان می‌شود. ورزش‌های خصوصی برای بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد ممکن نیست. مسئله فقط ثبت نام و ورودی نیست؛ بلکه هزینه‌های بعدی نظیر خرید تجهیزات، حضور در مسابقات و رفت‌وآمد و... نیز وجود دارد». همان‌طور که مدارس دولتی با مشکل اقتصادی فعالیت بدنی مواجه‌اند، صنعت خصوصی ورزش جوانان شکوفا شده است؛ طبق تحقیقات شرکت تحلیل آمار WinterGreen؛ درآمد سالانه این بازار از ثبت نام، سفر، پوشاک، تجهیزات و... از ۳٫۵ میلیارد دلار در سال، به ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. «سوزان یوستیس» (رئیس WinterGreen) می‌گوید: «این کار با تبلیغات مجازی آغاز شد و خانواده‌ها رفتند به این سمت که استعداد ورزشی فرزندشان را مثلاً حرفه‌ای شناسایی کنند. مدارس نیز به مرور شروع به کاهش بودجه ورزشی کردند. در ابتدا، این‌ها ربطی به هم نداشتند؛ اما درآمد و به میزانی فزاینده، کارآفرینان و مربیان خصوصی، از فناوری آنلاین برای بازاریابی، سازمان‌دهی، ایجاد مسابقات و ارائه خدمت به جمعیت روبه‌رشدی از والدینی که خواهان تجربیات عمیق‌تر ورزشی برای فرزندشان بودند، استفاده کردند. بی‌شک در این فضا، هزینه‌های مانعی برای مشارکت کودکان کم‌درآمد است.»

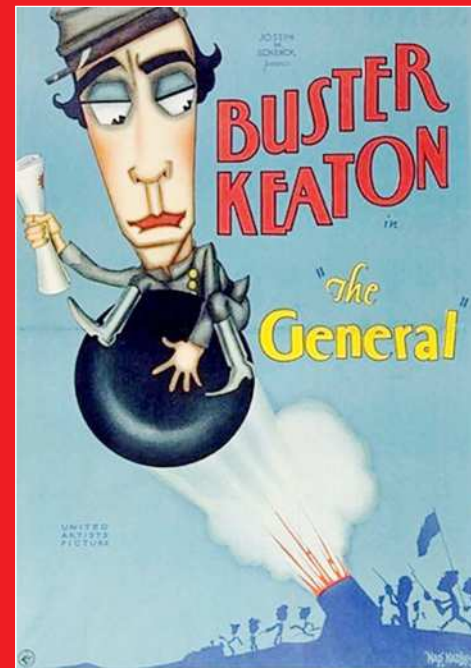
رسانه The Aragon Outlook که به تحلیل جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد، در گزارش ۱۳ فوریه ۲۰۲۰ آورده است: در «آمریکا» و بسیاری کشورها، مردم برپایه «ثروت، تحصیلات و شغل» در طبقات اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند. پنج طبقه اصلی عبارت‌اند از بالا، متوسط روبه‌بالا، متوسط، کارگر و پایین. این طبقات، دیدگاه‌های ارزشی متفاوتی دارند که در ترجیحات ورزشی آن‌ها نیز نقش دارد؛ مثلاً افراد طبقه بالا تمایل بیشتری به انجام ورزش غیرتماسی مانند «گلف» یا «تنیس» دارند؛ اما طبقات متوسط و پایین، مایل به انجام ورزش‌هایی هستند که بر مشارکت تیمی، سختی و ریسک‌پذیری متمرکزند؛ مانند «فوتبال» یا «بوکس». معمولاً به رشته‌های خشن‌تر «ورزش حرفه‌ای» می‌گویند. برخی از ورزش‌ها با «مخارج بالا» همراه‌اند: در «گلف»، ورزشکار باید برای تجهیزات و هزینه چمن یا حق عضویت در باشگاه‌ها، هزینه کند؛ در حالی که برای بازی «فوتبال» (سطح پایه) تنها اقلام موردنیاز، «توپ» و «دروازه» است که بعضاً حتی در پارک‌های عمومی نیز ارائه می‌شوند. «دویدن» بخش بزرگی از فعالیت ورزشی افراد مختلف در شرایط اقتصادی پایین را دربرمی‌گیرد؛ زیرا نیاز به هیچ تجهیزاتی ندارد! «استیو سل» (معلم ورزش) می‌گوید: «گنجاندن ورزش در برنامه‌های مدارس، ضرورت است؛ زیرا متناظران، دولت‌ها ملزم به تأمین یکسری امکانات می‌شوند و بسیاری از بچه‌ها می‌توانند از این امکانات آفتاب‌به‌شکل محدود از نظر زمانی؛ اما یکسان از نظر دسترسی استفاده کنند. در مدرسه، انجام ورزش، شکلی یکدست دارد و توان مالی لحاظ نمی‌شود؛ بنابراین، مانعی برای ورود هیچ بچه‌ای به محیط ورزشی وجود ندارد. تیم‌های ورزشی مدارس، تنوع طبقاتی دارند و تیم فقیر و غنی نداریم. این البته یکی از چیزهای عالی در مورد ورزش‌های تیمی است؛ مانند فوتبال. چه در سطح مدارس، چه در سطح آماتور و چه در سطح حرفه‌ای، استعداد بر توان اقتصادی افراد غلبه دارد. هرچقدر مستعد که باشید، بدون امکانات مالی مطلوب نمی‌توانید در تنیس یا اسکی به سطوح بالا برسید؛ مگر آنکه حتماً یک پشتیبان مالی پیدا کنید و شانس در این زمینه، اندک است». یکی از ورزش‌های مختص طبقات بالا «گلف» است. از آنجا که نیاز اولیه آن (زمین چمن) دردسترس نیست، حتماً باید در باشگاه انجام شود و این کار نیز نیازمند صرف هزینه زیاد است. «گای اولینگ» (سر مربی گلف) می‌گوید: «اقتصاد در ورزش، یکی از مهم‌ترین بحث‌های همیشگی میان حرفه‌ای‌ها بوده. این آنگ وجود دارد که گلف، ورزش شیک و تجملی است. اگرچه عمدتاً چنین است؛ اما نباید آن را منحصر به یک قشر خوانند. منظور این است که نباید افراد را از تلاش برای تجربه و انجام رشته‌های مختلف، منع کرد. تایگر وودز، از طبقه متوسطی در کالیفرنیا جنوبی آمد و به عنوان یک ستاره در این ورزش تحت سلطه طبقه بالا درخشید. اگر او را مدام با مرزبندی‌های طبقاتی می‌ترساندیم و محدودش می‌کردیم، آیا به این جایگاه می‌رسید؟»

طبق ادعای او؛ علیرغم موانع مختلف ورود برای برخی رشته‌ها، «طبقه اجتماعی» دیواری نفوذناپذیر نیست که مانع موفقیت افراد شود. امروزه، باشگاه‌های بزرگ به لطف اعضا و اسپانسرها که رؤیای هر کودکی را ممکن می‌سازد، می‌توانند به «استعدادهای شایسته» کمک کنند. وقتی صحبت از «اراده» برای تحقق آرزوها می‌شود، چنین نمونه‌هایی مثال‌زدنی‌اند؛ مانند خواهران «ویلیامز» در «تنیس» که چگونه حضور حرفه‌ای خود را علیرغم تمام مشکلات مالی، رقم زدند؛ اما وقتی از انبوه علاقه‌مندان می‌گوییم که در جغرافیایی وسیع (با تمام موانع اجتماعی؛ از فقر اقتصادی تا فقر فرهنگی و...) باید راه خود را هموار کنند، مسئله کاملاً متفاوت خواهد بود. بحث بر سر میزان دسترسی به امکانات برای تحقق اهداف است که تنها با «خواستن» و «عزم آهنین» و «شناس» رنگ واقعیت نمی‌گیرد. مقاله‌ای در ژورنال تحقیقاتی Emerald Group Publishing در این باره آورده است: «برابری» و «تنوع» در ورزش، طی ۳۰ سال گذشته بسیار مورد توجه بوده است. اقلیت‌گرایی‌های نژادی، جنسیتی، بومی، هویتی و... همیشه پای ثابت تحقیقات بوده‌اند و از آن جمله مانعی بزرگ به نام «طبقه اجتماعی» که ریشه در منابع عینی مادی (درآمد، تحصیلات و جایگاه) دارد هم بررسی شده است؛ اما محدود. فقدان بورسیه تحصیلی در این زمینه (ورزش) در بسیاری از جوامع، مایه تأسف است. در واقع، «طبقه اجتماعی» این پتانسیل را دارد که تقریباً تمام جنبه‌های زندگی افراد؛ از جمله سلامت، روابط اجتماعی، فرصت‌های آموزشی، مشاغل و مراقبت‌های بهداشتی را شکل دهد. «اهداف ورزشی» نیز مستثنا نیستند. جای تعجب نیست که «سازمان ملل» پایان دادن به فقر و کاهش نابرابری را در میان «اهداف توسعه پایدار» گنجانده است. «طبقه اجتماعی» به میزانی فزاینده با دسترسی‌ها و فرصت‌های حضور در ورزش و فعالیت بدنی مرتبط است. تغییرات در مدل‌های تأمین مالی ورزش، شکل‌دهی این الگو را در پی دارد. ساختارها و فرآیندهای سازمان‌های ورزشی، نحوه ارائه و بازاریابی ورزش و توانایی مصرف‌کنندگان برای حضور یا حتی تماشای رویدادهای ورزشی، همگی تحت تأثیر «طبقه اجتماعی» و روابط آن قرار دارند.

«شکاف درآمدی» به «شکاف فعالیت بدنی» نیز انجامیده است. کودکان و نوجوانان فقیر در مقایسه با همسالان مرفه‌تر، در فعالیت‌های ورزشی و بدنی کمتری شرکت می‌کنند. روزنامه New York Times در گزارش ۲۵ مارس ۲۰۲۳ نوشته است: طی دوده‌گذشته،

فیلم‌هایی که پیش از مرگ باید ببینید!

«ژنرال» یک کمدی-اکشن وسترن صامت و محصول سال ۱۹۲۶ است که توسط «یونایتد آرتیستس» اکران شد. این فیلم، از واقعه «تعقیب بزرگ لوکوموتیو» (حمله نظامی که ۱۲ آوریل ۱۸۶۲ در شمال جورجیا طی جنگ داخلی آمریکا رخ داد) الهام گرفته شده بود. داستان آن، از کتاب خاطرات این واقعه به قلم «ویلیام پیتنگر» (یکی از اعضای ارتش اتحادیه و از اولین دریافت‌کنندگان مدال افتخار) که سال ۱۸۸۹ منتشر شده بود، اقتباس شد. در این فیلم، «باستر کیتون» که کارگردانی آن را به همراه «کلاید بروکمن» برعهده داشت، نقش اصلی را برعهده دارد. بازیگر نقش اصلی زن را نیز «ماریون مک» بود. در زمان اکران اولیه، «ژنرال»، با استقبال خوبی از سوی منتقدان و تماشاگران مواجه نشد و در نتیجه، بازده متوسطی در گیشه داشت (نیم میلیون دلار در داخل؛ و تقریباً یک میلیون دلار در جهان). به دلیل بودجه هنگفت آن زمان (۷۵۰ هزار دلار) و عدم کسب سود قابل توجه، «کیتون» استقلال خود را به عنوان یک فیلم‌ساز از دست داد و مجبور به معامله محدودکننده‌ای با کمپانی «متروگلدوین مایر» شد. در سال ۱۹۵۴، این فیلم در «ایالات متحده» وارد مالکیت عمومی شد؛ زیرا مدعی آن در ۲۸ امین سال پس از انتشار، ثبت کپی‌رایت خود را تمدید نکرد. «ژنرال» از آن زمان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت و اکنون اغلب در بین بهترین فیلم‌های آمریکایی ساخته شده قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۸۹، این فیلم توسط «کتابخانه کنگره» انتخاب شد تا در اولین کلاس از آثار برای نگهداری در «فهرست ملی فیلم ایالات متحده» قرار گیرد؛ زیرا از نظر فرهنگی، تاریخی یا زیبایی‌شناختی مهم است. داستان این اثر چنین است: هنگام جنگ داخلی آمریکا، «جانی گری» (کیتون) در زندگی‌اش دو عشق دارد: لوکوموتیوی به نام «ژنرال» و دختری به نام «آنابل» (مک). نیروهای نفوذی شمالی، «ژنرال» را می‌دزدند آن هم در حالی که «آنابل» در یکی از واگن‌ها جا مانده؛ و آن را سمت مناطق خودی می‌برند. «جانی» یک‌تنه به تعقیب آن‌ها می‌رود تا «ژنرال» و «آنابل» را باهم نجات دهد! «بنیاد فیلم آمریکا» در لیست «۱۰۰ سال ۱۰۰ فیلم» (به انتخاب «بفا» و بازبینی ۲۰۰۷) این فیلم را به عنوان «هدهمین فیلم برتر تاریخ سینما» برگزید. این اثر هشت حلقه‌ای با زمان نهایی ۷۵ دقیقه به‌نمایش درآمد. «گین کاوندر»، «جیمز فارلی» و «فردریک فروم» نیز از دیگر بازیگران این فیلم هستند. «کیتون» در سال ۱۹۶۳ گفته بود: «من بیش از هر فیلمی که ساخته‌ام، به آن افتخار می‌کنم؛ زیرا یک اتفاق واقعی را از کتاب‌های تاریخ بیرون آوردم و داستان را به تفصیل شرح دادم». در سال ۲۰۱۵، مجله چاپ‌گری Jacobin، این فیلم را «شاهکار کمدی» نامید.



ژنرال

کریس کلیو

تولد: ۱۹۷۳ در انگلستان

او در «کامرون» و «باکینگهام‌مشایر» بزرگ شد؛ و در «کالج بالیول» (آسفورد) تحصیل کرد و در آنجا «روانشناسی تجربی» خواند. این نویسنده حالا با همسر فرانسوی و سه فرزندش، در بریتانیا زندگی می‌کند. اولین رمانش Incendiary (آتش‌زا) در ۲۰ کشور منتشر و یک فیلم سینمایی نیز به همین نام (با بازی میشل ویلیامز و یوان مک‌گرگور) از آن اقتباس شد. این رمان، برنده جایزه «سامرست موم» سال ۲۰۰۶ شد و در فهرست نهایی جایزه نویسندگان مشترک‌المنافع همان سال نیز قرار گرفت. رمان دومش The Other Hand در اوت ۲۰۰۸ منتشر و توسط The Independent به عنوان «قطعه هنری قدرتمند، تکان‌دهنده، هیجان‌انگیز و عمیقاً تأثیرگذار» توصیف شد. این کتاب، برای جایزه کتاب «کاستا» در سال ۲۰۰۸ در بخش رمان در فهرست نهایی قرار گرفت. «کلیو» از دوران کودکی خود در غرب آفریقا برای نوشتن این اثر الهام گرفت؛ که در ژانویه ۲۰۰۹ در «ایالات متحده» و «کانادا» به نام «زنبور کوچک» منتشر شد. «طلا»؛ سومین رمان او نیز توسط منتقد The Observer «جسورانه و شجاعانه» نامیده شد.



کریس کلیو

بودو، دختری از نیجریه

ترجمه‌ی الهه شمس نژاد

بزرگ‌ترین کتاب نیویورک تایمز و نامزد جایزه‌ی Casta Novel
برای بهترین رمان سال ۲۰۰۸



در معرفی رمان «بودو، دختری از نیجریه» آمده است: این کتاب، داستان زندگی دو زن است که در یک‌روز سرنوشت‌ساز زندگی‌شان به هم گره می‌خورد. یکی از آن‌ها مجبور به انتخابی سخت می‌شود؛ انتخابی که ای‌کاش کسی مجبور به آن نباشد. دوسال بعد، دوباره یکدیگر را ملاقات می‌کنند و قصه، از همان جا شروع می‌شود. اگر بعد از خواندنش، آن را به دوستانتان توصیه کردید، برایشان نگویید که چه رخ داده؛ تمام اعجاز داستان، در هویداشدن آن است... یک داستان با روایت دوگانه در مورد پناهجوی نیجریه‌ای و یک ویراستار مجله انگلیسی ست که طی درگیری نفتی در «دلتای نیجر» باهم ملاقات می‌کنند و چندسال بعد در «انگلستان» باز به هم می‌رسند. نویسنده به عنوان یک دانشجوی دانشگاه، از دوره کار موقتش در مرکز بازداشت پناهندگان الهام گرفت و این کتاب را در تلاش برای انسانی‌کردن مشکلات پناهجویان در انگلیس نوشت. رمان، به بررسی رفتار با پناهندگان توسط سیستم پناهندگی و موضوعات استعمار انگلیس، جهانی‌سازی و خشونت سیاسی می‌پردازد. وقایع این داستان، عمدتاً در انگلستان و بخشی نیز در نیجریه رخ داده. گرچه شخصیت‌های آن خیالی‌اند؛ اما به‌گفته نویسنده؛ وقایع اتفاق افتاده در داستان واقعی بوده و شاید برخی قسمت‌های یادشده در آن برای هزاران پناهجو آشنا باشد. از ویژگی‌های این داستان این است که از زبان دو راوی نقل می‌شود و براساس فرار یکی از شخصیت‌های اصلی ملقب به «زنبورک‌چولو» از نیجریه و تقاضای پناهندگی او در انگلستان، شکل گرفته. همان‌طور که گفتیم؛ شاید شخصیت‌ها و فضاهایی که ماجرا در آن رخ می‌دهد، خیالی باشد؛ اما درگیری‌های مربوط به نفت و آنچه سبب احساسات به‌وجودآمده در «زنبورک‌چولو» می‌شود، حقیقت دارد. زمانی که داستان نوشته شده، نیجریه یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و درعین حال، دومین کشور آفریقایی به‌لحاظ درخواست پناهندگی در انگلستان بوده است. این اثر، سال ۲۰۰۸ به عنوان پرفروش‌ترین کتاب «نیویورک تایمز» معرفی شد و «The Other Hand» عنوان اصلی‌اش بود که بعضاً به نام Little Bee نیز شناخته می‌شود. رمان، نقدهای متفاوتی از سوی منتقدان دریافت کرده است؛ به‌دلیل تمرکز بر نجات انسانی، موردستایش قرار گرفته؛ بااین حال، برخی از بازیگران احساس کردند وقایع آن ساختگی بوده. این اثر با ترجمه الهه شمس نژاد در ۳۲۶ صفحه با قیمت ۴۹ هزار تومان توسط انتشارات «مروارید» منتشر شده است.

Rolling Stone

اسطوره‌های موسیقی به روایت



دیوید بویی؛ آفتاب پرستِ راک

«دیوید رابرت جونز» (۸ ژانویه ۱۹۴۷-۱۰ ژانویه ۲۰۱۶) معروف به «دیوید بویی»؛ خواننده، ترانه‌سرا، نوازنده و بازیگر انگلیسی بود که به خاطر کارهای نوآورانه‌اش در دهه ۱۹۷۰، مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. او با تلفیق موسیقی، نقاشی و نمایش، تأثیر قابل توجهی بر موسیقی عامه‌پسند داشت. قبل از شروع نوازندگی در ۱۹۶۳، هنر، موسیقی و طراحی را مطالعه کرد. پس از یک دوره آزمون و خطا، سال ۱۹۷۲ در دوران «گلم راک» در قالب شخصیت «زیگی استارداست» روی صحنه آمد که محبوبیت گسترده‌ای برایش داشت. اولین موفقیت بزرگش در «آمریکا» با قطعه شماره یک Fame و آلبوم Young Americans رقم خورد. سال ۱۹۷۶، در فیلم کالت «مردی که به زمین سقوط کرد» بازی کرد. آخرین اجرای زنده‌اش در یک رویداد خیریه (۲۰۰۶) بود. سال ۲۰۱۳ پس از وقفه ضبط یک دهه‌ای، با بازگشت؛ و تا زمان مرگش (سرطان کبد)، فعال بود. فروش آلبوم‌هایش بیش از ۱۰۰ میلیون در جهان تخمین زده‌اند. او را به دلیل ابداعات موسیقایی متعددش، «آفتاب پرست راک» نامیدند. او در سال ۱۹۹۶ به «تالار مشاهیر راک اند رول» راه یافت.

شام خدا حافظی

«کلوت» و «پی‌یر» تصمیم می‌گیرند با دادن شام خدا حافظی، از شر دوستانشون خلاص شن و برای اولین مورد، بهترین دوستشان را دعوت می‌کنند!... امیر غفارمنش، جوانه دلشاد و امیر کربلایی‌زاده؛ بازیگران این نمایش به کارگردانی شیمه خاسب (متن ماتیو دولاپورت و الکساندر دولاپتولیر با ترجمه‌ای از شهلا جابری) هستند که تا ۲۴ آذرماه ساعات ۱۹:۳۰ و ۲۱:۳۰ (۷۵ دقیقه) در «تماشاخانه ملک» میزبان علاقه‌مندان است. در توضیحات اثر آمده که از همراه داشتن فرزندان زیر ۱۲ سال خودداری کنید.



«اسبچه خزر»؛ جانوری مینیاتوری با قدمت بیش از ۵۰۰ سال

روستای «کمدره» از توابع بخش «دشت سر» (آمل در مازندران) خاستگاه اصلی «اسب کاسپین» یا «اسبچه خزر» است و پس از ثبت در فهرست آثار ملی کشور، در فهرست میراث ناملموس نیز به ثبت رسیده تا از این حیوان ارزشمند و کهن ترین نژاد اسب به عنوان بخشی از هویت تاریخی دیار علویان محافظت شود. «اسب کاسپین» یا «اسبچه خزر» با قدمت بیش از ۵۰۰ سال که با نام های دیگری چون «گیل اسب» نیز شناخته شده، از کهن ترین نژاد اسب ها در دنیا محسوب می شود و در تاریخ و فرهنگ مازندران قدمتی به بلندای تاریخ دارد. این اسب، همان طور که از نامش پیداست، به اکوسیستم مناطق شمالی ایران تعلق دارد. سال ۱۳۹۰ در «گوهرتپه» (مازندران) گورستانی متعلق به ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد کشف شد که در آن فسیل های اسب خزر وجود داشتند. همچنین کتیبه هایی در مناطق تخت جمشید وجود دارد که تصویر این اسب ایرانی را نشان می دهد. امپراتوری عظیم ایران در گذشته، به نیروهای حیوانی قوی برای حمل و نقل احتیاج داشته و از این اسب کمک می گرفته است. تا سال ۱۳۴۵، «اسب کاسپین» فقط در ایران وجود داشت. سپس این حیوان زیبا به سایر مناطق جهان؛ از جمله آمریکا و اروپا نیز راه یافت. در حال حاضر در مناطق شمالی ایران پراکنده است؛ شامل نواحی شمال شرقی ایران از جمله ترکمن صحرا و مناطق شمال غربی مانند آستارا و تالش. در گذشته به این نژاد «اسبچه خزر» نیز گفته می شد اما امروزه ثابت شده که این نژاد یک اسب کامل است. اسب خزر زیبا دارای بدنی متناسب است اما مانند بسیاری از نژادها بدن پر و تنومندی ندارد؛ از این رو، به او «اسبچه» یا «اسب مینیاتوری» هم گفته می شود. مینیاتوری بودن این نژاد خیلی مشهود نیست و نمی توان به راحتی تفاوت بدنی آن را با سایر اسب ها تشخیص داد. اسب این نژاد، دارای استخوان بندی محکم، سم بیضی و سفت، سر کوچک، چشمان درشت و برجسته، گوش های ایستاده و با فاصله و پیشانی محدب است. پوست آن بسیار براق، درخشان و نازک است و یال و دم ظریف اما پرپشت و صاف دارد؛ و به رنگ های سفید، سیاه، نیلی، خاکستری و قهوه ای تیره و روشن دیده می شود. از نظر ظاهری این اسب شباهت زیادی به نژاد های آخال تکه و عربی دارد. قد اسب بالغ به طور میانگین ۱۱۷ تا ۱۲۷ سانتی متر و وزن آن ۲۵۰ تا ۴۰۰ کیلوگرم است. طول عمرش در صورت مراقبت و نگهداری صحیح به ۲۵ تا ۳۰ سال می رسد. هوش و تمایل اسب خزر برای یادگیری مهارت های جدید، شگفتی هر انسانی را به همراه دارد. این نژاد به طور کلی رفتار دوستانه ای دارد و هم با تازه کارها و هم با بچه ها به خوبی ارتباط برقرار می کند. راه رفتنش بیشتر با نام شناور معروف است زیرا بسیار باوقار و نرم حرکت می کند. آن ها علاوه بر بدن عضلانی و قوی، چابک هستند و تحرک بالایی دارند. این، منجر به پرش های بلند و بدون نقص اسب خزر شده است. اسب های کاسپین مانند اجداد خود در ایران باستان عاشق کشیدن کالسکه و گاری هستند. «اسب کاسپین» تا ۱۳۴۵ فقط در ایران وجود داشت. در کشورمان حدود ۵۰۰ رأس «اسب کاسپین» شناسایی شده که ۸۰ درصد آن ها در استان های مازندران و گیلان و بقیه در یزد، البرز، تهران و کرمان زیست می کنند اما هم اکنون در دنیا بیش از ۲۰۰۰ رأس از این گونه با جلوه گری در انگلستان، آمریکا، نیوزلند، نروژ، سوئد و استرالیا زیست می کنند. «اسب کاسپین» به لحاظ ظاهری، تناسب اندام یک اسب بزرگ را دارد و برخلاف بسیاری از اسبچه ها که دارای دست و پای کوتاه و تنه درشت بوده، اسبی مینیاتوری محسوب می شود و شناخت آن از روی تصویر به راحتی امکان پذیر نیست. «اسب کاسپین» شباهت بسیار با اسب نژاد عرب دارد. سری کوچک، چشم های درشت و برجسته، پیشانی کمی محدب و گوش های کوچک دارد. یال و دم پرپشت و زیبا، کمر کشیده و بدن باریک، استخوان بندی بسیار قوی و محکم از ویژگی های «اسب کاسپین» است. نکته جالب توجه درباره «اسب کاسپین» این است که این گونه جانوری به علت سم بسیار سفت و بیضی شکل، نیاز به نعل بندی ندارد.



حسن موحدیان؛ رئیس شورای شهر مشهد بایمان اینکه اگر مسئله ای برای ما به وجود بیاید که اهمیت بالایی داشته باشد و نیاز مردم با آن رفع شود، حاضریم در اصلاح بودجه مشکلات اعتبارات آن را رفع کنیم، گفت: «در رابطه با پژوهش هیچ محدودیتی نداریم؛ به شرطی که پژوهش ها مسئله ای از ما را حل کند. لازمه سیاست گذاری درست، آشنایی با مشکلات و حلشان به شیوه صحیح است.»



حسن آدمیت؛ سرپرست فرمانداری خمام بایمان اینکه این شهرستان بیمارستان ندارد، گفت: «ساخت درمانگاه تخصصی برای خمام در دستور کار قرار دارد. مسئله پسماند در خمام با کمک مدیریت شهری، مسئولان شهرستانی و استان در حال سامان دهی است.» وی با اشاره به ظرفیت ها و قابلیت های خمام افزود: «تقویت زیرساخت های شهرستان تازه تأسیس مورد تأکید است. ضمناً فعالیت ادارات اینجا منجر به جلب رضایت مردم در پیشبرد کارها خواهد شد.»



مسلم مرادی؛ معاون استاندار لرستان و فرماندار بروجرد گفت: «طرح ملی شهریان فرصت مناسبی برای هم افزایی بین مردم و مسئولین است؛ از مهم ترین اهداف این طرح می توان به گفتن سازی، مردمی سازی حل مسائل کشور، الگومایی از ده ها اقدام مردمی سازی انجام شده، اجرای ده ها اقدام مردمی سازی جدید باتکیه بر ظرفیت های بومی و همچنین دریافت صدها ایده مردمی سازی برای حل مسائل کشور عزیزمان اشاره کرد.»



دانستنی‌های سفر به گچساران

شهر «گچساران» از شمال به شهرستان «چرام»، از شمال غرب به شهرستان «کهگیلویه و بویراحمد»، از جنوب به شهرستان «گناوه»، از شرق و شمال شرقی به «مسنی» و از غرب به «بهبهان» محدود می‌شود. «گچساران» در منطقه گرمسیر قشلاقی قرار دارد و دارای دو نوع آب و هوای معتدل و خشک در نیمه شرقی و گرمسیری خشک در نیمه غربی است. رودخانه «زهره» مهم‌ترین رود این شهرستان بوده که در جنوب شرقی آن جاری است. «گچساران» معادن بسیار دارد و از مهم‌ترین مراکز استخراج و بهره‌برداری نفت کشور است. مردم «دوگنبدان» یا «گچساران» به زبان لر بویراحمدی صحبت می‌کنند. نام قدیمی یا بهتر است بگوییم نام دیگر شهر «گچساران»، «دوگنبدان» است که دلیل این نام‌گذاری نیز وجود دو گنبد فروریخته در دشت‌های شرق و غرب است؛ یکی از این گنبدها شش متر است که در غرب قرار دارد و گنبد دوم در جلگه شرقی، در ابتدای «تنگ مالپون» قرار داشته است. گنبد دوم از بین رفته و ویرانه‌هایش باقی مانده. «نورمحمد مجیدی» در کتاب «تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد» درباره آثار این دو گنبد می‌گوید: «ظاهراً بقایای آثار دو گنبد تا سال ۱۳۵۰ در شمال غربی شهر و در مجاورت مخازن آبی که شرکت نفت جهت کارگران و شهروندان دوگنبدان احداث کرده وجود داشته است». نیز «علی اکبر دهخدا» در لغت‌نامه‌اش در رابطه با «دوگنبدان» می‌گوید: دهی ست از دهستان «زیرکوه» بخش «گچساران» از توابع شهرستان «بهبهان». در کتب تاریخی آمده است که «دوگنبدان» تا مدت‌ها خالی از سکنه بود ولی با فعالیت شرکت نفت در «گچساران» قدیم، این منطقه اهمیت پیدا کرد و اولین چاه نفت در روستای «بابامحمد» از توابع «دوگنبدان» یا همان «گچساران» امروزی حفاری شد که امروز به «چاه شماره ۶» مشهور است. در بعضی از منابع تاریخی، از این شهر به عنوان محل کاروانسرای دوره صفوی نام برده شده و روستایی به نام «زریون» در شمال این کاروانسرا قرار داشته که امروزه از هیچ‌کدام اثری باقی نمانده است. از صنایع دستی «گچساران» باید به تابلوهای معرق، مشبک، کیف، کمر بند، مروارید بافی، جاجیم بافی، سیاه چادری بافی، گلیم بافی، قالی بافی، سبده بافی و آویزه‌های سنتی اشاره کرد. از سوغاتی‌های «گچساران» نیز باید به گردو، عسل و انگور اشاره کرد. از غذاهای محلی «گچساران» می‌توان به «آش کارده» و «آش بادام»؛ و نان‌های «شلشلی»، «تکو» و «گرده زیر چاله» اشاره کرد. از جاذبه‌های تاریخی و جاهای دیدنی «گچساران» باید به «چهارطاقی خیرآباد»، «پل خیری» و «محمدخان»، «آرامگاه حکیمه خاتون»، «گنبد لیشترو» و «دژ سلیمان» اشاره کرد. از جاذبه‌های طبیعی «گچساران» می‌توانیم به منطقه حفاظت شده «کوه خامین»، روستاهای «مارین»، «نیمدور» و «دیل»؛ آبشارهای «کنج بنار»، «کیوان لیشترو» و «رودبال»؛ «تنگ باشتک» و منطقه گردشگری «شلادون» اشاره کرد. «بارگاه مقدس بی بی حکیمه خاتون» در این شهرستان واقع شده است. براساس نقل قولی که در کتاب «بحارالانوار» ذکر شده؛ محل بارگاه «بی بی حکیمه» در کوه‌های «بهبهان» ذکر شده است. سالانه بالغ بر یک میلیون نفر از سراسر کشور و کشورهای حوزه خلیج فارس به زیارت این بارگاه متعلق به خواهر تنی حضرت احمد ابن موسی شاه چرخ (ع) مشرف می‌شوند. از نکات قابل توجه، شکل خاص گنبد این بارگاه مقدس است که به واسطه قرارگیری در دل کوه بین اماکن مقدس کشور منحصر به فرد است. بقاع متبرکه دیگری نیز در این شهرستان وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «امامزاده جعفر (ع)» اشاره کرد. علاوه بر آن مساجد و حسینیه‌های متعدد در شهر «گچساران» وجود دارد که در مراسم مذهبی مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد. «گچساران» در ورزش به عنوان «شهر هاکی ایران» شناخته می‌شود؛ چراکه اولین بار این ورزش توسط کارکنان انگلیسی ساکن «گچساران»، به ایران آورده و به شکل حرفه‌ای بازی شد. راه اصلی استان «خوزستان» (اهواز) به استان «فارس» (شیراز) از این شهرستان می‌گذرد و قشلاق عشایر بویراحمد و قشقای نیز در آن قرار دارد. ناحیه «گچساران» در منتهی‌الیه مناطق نفت خیز ایران قرار گرفته. «منطقه نفتی گچساران» از نواحی قدیمی و مشهور صنعت نفت ایران به شمار می‌آید. «گچساران» به دلیل داشتن منابع آبی فراوان، وجود «سد کوثر» در آن، نیز دومین میدان نفتی ایران و میدان‌های گازی متعدد، به «سرزمین آب و آتش» و به خاطر اینکه مرتفع‌ترین میدان نفتی ایران در آن واقع شده به «بام نفت ایران» شناخته می‌شود.



۲۰ آذر؛ روز جهانی کوهستان

به دنبال بزرگداشت «سال بین‌المللی کوه‌ها» در سال ۲۰۰۲، «مجمع عمومی سازمان ملل متحد» در پنجاه و هفتمین جلسه خود در ژانویه ۲۰۰۳ روز ۱۱ دسامبر (۲۰ آذر) را به عنوان «روز جهانی کوهستان» تعیین و از «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (فائو) دعوت کرد تا مسئولیت هماهنگی این روز در سطح جهان را بر عهده بگیرد. «فائو» هر سال با تعیین یک موضوع، از کشورهای کوهستانی و اعضای «مشارکت برای کوه‌ها» (MP) دعوت می‌کند تا با اجرای آیین‌های ویژه نظیر گردهمایی و ... اجرای برنامه‌های کوهنوردی در بزرگداشت این روز و تأکید هر چه بیشتر بر اهمیت و نقش کوهستان بکوشند. نماد «روز جهانی کوهستان» شامل سه مثلث متساوی الاضلاع روی یک خط افقی است. مثلث سمت چپ، یک الماس آبی رنگ در بالا دارد و نشان از یخ و برف در قله کوه و لزوم توجه به گرمایش زمین و حفظ برف‌های کوهستان دارد. مثلث میانه، دایره نارنجی دارد که نشانه منابع طبیعی محیط کوهستان است که مداوم از داخل کوه‌ها استخراج می‌شوند. مثلث سمت راست نیز یک مثلث سبز کوچک در پایه دارد که نشان دهنده سرسبزی و محصولاتی است که در دامنه کوه‌ها رشد می‌کنند. سرچشمه همه رودهای بزرگ؛ و منشأ نیمی از آب‌های شیرین جهان، کوهستان است. آن‌ها زیستگاه گونه‌های بی‌شمار گیاهی و جانوری، خاستگاه بخش مهمی از تنوع زیستی و پناهگاه بسیاری از گونه‌هایی هستند که در دشت‌ها نابود شده‌اند. کوه‌ها، بزرگ‌ترین گردشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها هستند و با داشتن چشم‌انداز باشکوه و هوای پاک، امکان پیاده‌روی و ورزش در محیطی دل‌انگیز را فراهم کرده‌اند. انتخاب یک روز به نام «روز جهانی کوهستان» با اشاره به اهمیت کوهستان‌ها و نقش آن‌ها در زندگی مردم؛ به برجسته‌سازی فرصت‌ها و محدودیت‌ها در توسعه کوه‌ها و ایجاد تغییرات مثبت برای مردمی که نزدیک به کوه‌ها زندگی می‌کنند و سایر محیط‌های سراسر جهان، کمک شایانی می‌کند.



آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص فیلیپس ایران به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۹۲۳۰۷ و به شماره ثبت ۵۰۳۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای الفونز فینانوس به شماره فراگیر ۱۰۹۳۴۶۵۳۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ آقای پییر ایواس ماری برنارد بردل به شماره فراگیر ۱۱۵۶۸۰۱۰۰ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ آقای رینود ویلهلموس لورنتیوس ماریا منگلمانز به شماره فراگیر ۹۹۷۲۰۳۷ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ انتخاب گردیدند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۱۶۲۰۰۸۶)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص فیلیپس ایران به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۹۲۳۰۷ و به شماره ثبت ۵۰۳۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای الفونز فینانوس به شماره فراگیر ۱۰۹۳۴۶۵۳۶ به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ آقای پییر ایواس ماری برنارد بردل به شماره فراگیر ۱۱۵۶۸۰۱۰۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ آقای رینود ویلهلموس لورنتیوس ماریا منگلمانز به شماره فراگیر ۹۹۷۲۰۳۷ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار از جمله قراردادها، توافقات، چک، برگه واریز و برداشت، وغیره همچنین کلیه اوراق و اسناد عادی با امضای منفرد مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۱۶۲۰۰۸۷)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص شاهین ترخیص آراز به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۲۰۷۳۱ و به شماره ثبت ۳۷۳۶۵۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای آیدین نظری به شماره ملی ۱۵۷۰۴۰۲۸۶۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ آقای رضا نظری به شماره ملی ۲۸۹۹۰۷۱۴۳۲ به سمت مدیرعامل و به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ آقای علیرضا نظری به شماره ملی ۲۸۹۹۰۹۴۹۶۳ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برآوات و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۱۶۲۰۰۹۲)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود کوئین پاک به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۷۷۷۳۶ و به شماره ثبت ۳۴۰۸۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکا مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای پیمان هاشمی بشماره ملی ۰۰۶۹۶۱۹۲۶۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و آقای کیوان عمیدپور بشماره ملی ۰۰۶۴۵۴۶۳۵۷ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار شرکت از قبیل چک، سفته، بروات و عقود اسلامی با امضاء منفرد مدیرعامل با مهر شرکت معتبر می باشد. من برخی از اوراق تعهد آور شرکت، شامل صورتجلسات اداره کار و کلیه مراجع حل اختلاف کارگری، کلیه مراجع و ادارات مالیاتی اعم از هرگونه هیاتهای تشخیص و رسیدگی و تجدیدنظر و همچنین سازمان تأمین اجتماعی، با حضور و امضای منفرد هر یک از اعضای هیئت مدیره یا حضور و امضای منفرد مدیر حسابداری شرکت خانم سمیه قلی زاده سربند بشماره ملی ۰۰۸۰۷۶۳۰۵۷ و در هر حال با مهر شرکت معتبر می باشد. همچنین امضای چک تا سقف دو میلیارد ریال با امضای منفرد خانم سمیه قلی زاده سربند به همراه مهر شرکت معتبر است. در ارتباط با بانکهای کشور علی الخصوص بانکهای ملی شعبه فدک و پاسارگاد شعبه جهان کودک و هرگونه مرادوات و مکاتبات و امضای قرارداد با ایشان، اعم از اخذ هرگونه تسهیلات بانکی یا اخذ هر نوع ضمانت نامه، امضای منفرد مدیرعامل کافی و به نمایندگی تام از شرکت است، ضمن آن که سایر اعضای هیئت مدیره اختیارات و حق امضای خود را در این خصوص به مدیرعامل با حق توکیل به غیر توکیل نمودند. امضای مدیر حسابداری شرکت، خانم سمیه قلی زاده سربند در ذیل هرگونه نامه، درخواست، معرفی نامه، درخواست هر نوع تسهیلات یا دسته چک، خطاب به کلیه شعب بانک ملی ایران، بانک پاسارگاد یا بانک سینا و همچنین امضای ایشان در وکالت های کاری شرکت به ثالث اعم از وکالت های رسمی ترخیص کاری و گمرکی و وکالت کلیه امور اداری به نمایندگی از شرکت مورد تأیید و نافذ است. در خصوص هرگونه قرارداد خرید، فروش یا پیمانکاری شرکت با ثالث یا قبول هرگونه تعهدات شرکت، امضای متفق دو نفر از اعضای هیئت مدیره یا امضای متفق یکی از اعضای هیئت مدیره به همراه امضای مدیر حسابداری شرکت در هر حال به همراه مهر شرکت، لازمه اعتبار این گونه تعهدات، اوراق یا قراردادهاست. در خصوص توافقات شرکت با کلیه مراکز پژوهشی، وزارت علوم، بنیاد ملی نخبگان، معاونت علمی و فن آوری ریاست جمهوری و صندوق نوآوری و شکوفایی و همچنین نهادهای مربوطه در مالکیت فکری مانند ثبت اختراع و طرح صنعتی، امضای منفرد آقای عباس ناصری نیز، به شماره ملی ۰۴۵۱۱۳۲۷۵۰ به سمت مدیر ارشد فن آوری، به همراه مهر شرکت، نافذ و معتبر است اختیارات هیئت مدیره، اختیارات ذیل از سوی هیئت مدیره به مدیرعامل تفویض شد: حضور در مراجعات، چه شرکت مدعی باشد و چه مدعی علیه، در تمامی مراجع قابل تصور و در تمامی مراحل و با تمامی اختیارات اعم از رجوع به محاکم و دادگاه های صالحه ابتدائی، تجدیدنظر، شوراهای حل اختلاف، استیناف، دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری و محاکم داوری، مراجعه به یا شرکت در جلسات کارشناس رسمی، انتخاب وکیل دادگستری و وکیل در توکیل، دادن اختیارات لازم به وکیل و عزل آن، قطع و فصل دعاوی با صلح و سازش یا استرداد دعاوی به نیابت و نمایندگی از هیئت مدیره و انجام امور اداری و ارائه هرگونه تعهد به ادارات گمرک، سازمان بورس، تمامی ادارات ذیربط و کارگزاری های رسمی. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۱۶۲۰۰۹۱)

رایگان



من هم میتوانم اگر ...!

موسسه حمایت از کودکان فلج مغزی سگال

#۷۳۳*۴*۵۴۲۵

رایگان

موسسه خیریه
حمایت از کودکان مبتلا به فلج مغزی
سگال

سفارش استند و تاج گل تسلیت

تلفن موسسه: ۰۲۱-۷۷۷۳۹۴۴۳

www.segalcharity.org @segalcharity



www.sarafrazannews.ir

مرگ‌بارترین مکان‌های جهان برای رانندگی

مهرداد نازری
mehrdad_nazery@yahoo.com

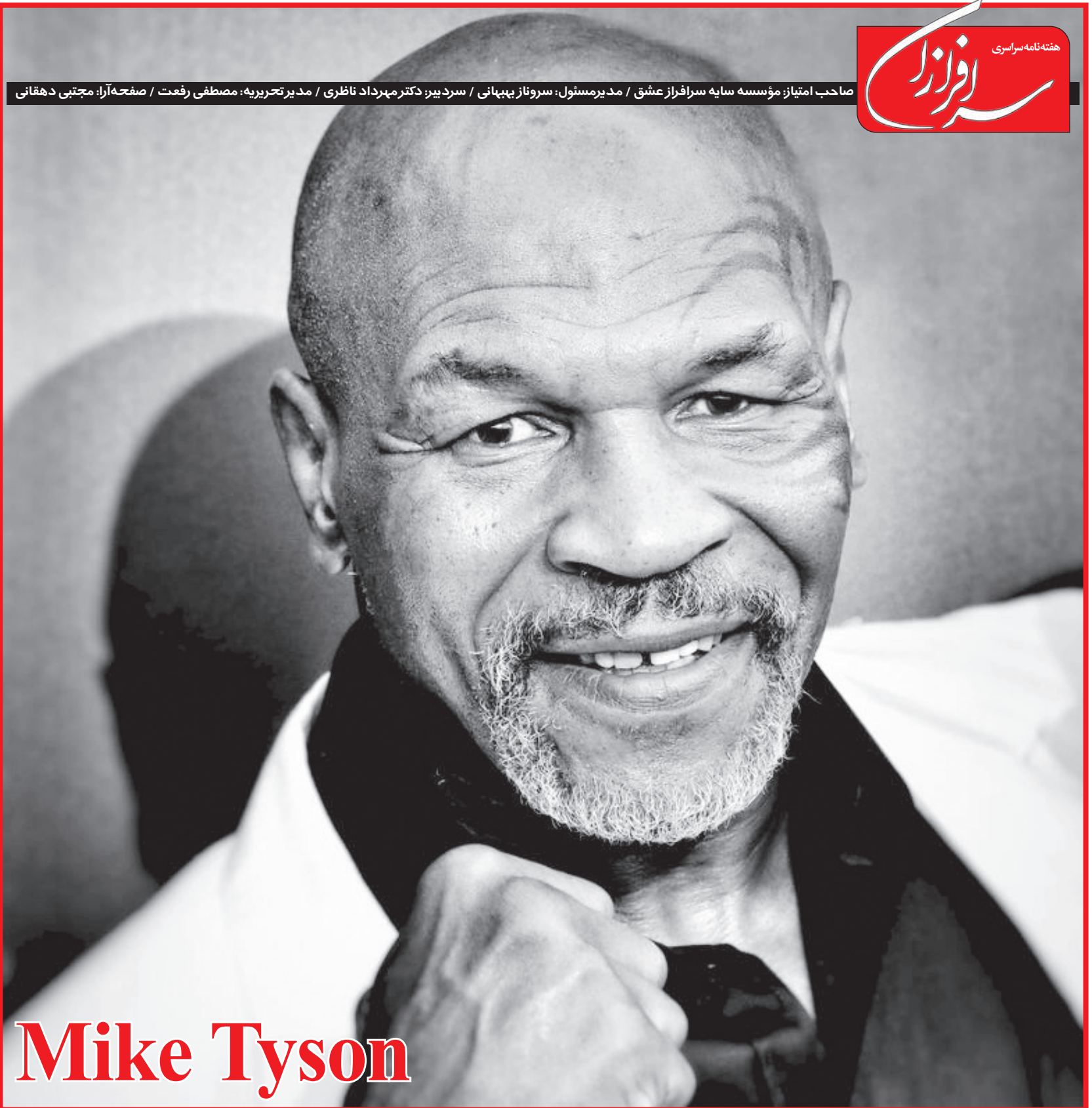


در هر ۱۰۰ هزار نفر) و «ونزوئلا» (۳۹) مرگ در هر ۱۰۰ هزار نفر) قرار دارند. اگرچه در اینجا به طور کامل نشان داده نشده؛ اما آفریقا منطقه اول جهان با بالاترین نرخ مرگ‌ومیر است؛ به طوری که ۱۵ کشور از ۲۰ کشور اول به عنوان کشنده‌ترین

کشورهای جهان از منظر مرگ‌ومیر جاده‌ای، متعلق به این جغرافیاست. «ایالات متحده» در سال ۲۰۱۹ با ۱۳ کشته بر اثر تصادفات جاده‌ای (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) در رتبه ۱۱۰ قرار داشت. در مقایسه با چندین کشور دیگر، «ایالات متحده» دارای نرخ نسبتاً بالایی از تلفات تصادفات جاده‌ای به خاطر «مصرف الکل» است؛ ۳۱ درصد در مقابل تنها نه درصد در «آلمان» (سال ۲۰۱۶). این داده‌ها، موارد مرگ‌ومیر هر کشور را به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر فهرست کرده است. ایران با ۲۱٫۵ مورد در رتبه پنجم قرار دارد.

بر اساس گزارش «سازمان بهداشت جهانی» (WHO)؛ تخمین زده می‌شود که سالانه ۱٫۲۵ میلیون نفر در سراسر جهان در «تصادفات جاده‌ای» جان خود را از دست می‌دهند. «مجمع عمومی سازمان ملل متحد» قصد دارد که این رقم را تا سال ۲۰۳۰ به نصف کاهش دهد. «تصادفات رانندگی»؛ به دلیل اصلی مرگ افراد بین پنج تا ۲۹ سال تبدیل شده است. بر اساس گزارش «سازمان جهانی بهداشت»؛ بیش از نیمی از مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای، مربوط به «عابران پیاده، دوچرخه‌سواران و موتورسواران» است. طبق این داده‌ها؛ «ایمنی جاده» (درواقع، نبود آن) یک مسئله جهانی است؛ اما در برخی نقاط، مرگ‌ومیر جاده‌ای بیشتر از سایر نقاط است؛ به طوری که از هر ۱۰ مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات جاده‌ای، ۹ موردش در جوامع کم‌درآمد و متوسط رخ می‌دهد. به گفته «سازمان جهانی بهداشت»؛ این تاحدی نتیجه «افزایش درآمد در جوامع در حال توسعه است که منجر به تسریع تولید و نیز واردات وسایل نقلیه است؛ در حالی که مدیریت ایمنی جاده‌ها و مقررات، همگام نشده‌اند». از میان ۱۸۳ کشور و منطقه مورد تجزیه و تحلیل در پایگاه داده WHO، کشور جزیره‌ای «جمهوری دومینیک» (در کارائیب) بیشترین سرانه مرگ‌ومیر را در سال ۲۰۱۹ داشته است (زمانی که آخرین داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت)؛ آن هم با ۶۴٫۶ مورد به ازای ۱۰۰ هزار نفر. پس از آن، «زیمبابوه» (۴۱) مرگ





Mike Tyson

مایک تایسون؛ بدترین مرد روی سیاره!



مایک (مایکل) جرارد تایسون (متولد ۳۰ ژوئن ۱۹۶۶)؛ مشت زن بازنشسته آمریکایی ست که بین سال های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ در دسته سنگین وزن رقابت می کرد. او در دوران حرفه ای خود، با القابی نظیر «مایک آهنی»، «پسر دینامیت» و بعدها نیز «بدترین مرد روی سیاره» مشهور شد. او به عنوان یکی از «برترین بوکسورهای سنگین وزن تمام ادوار» شناخته می شود؛ که از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ قهرمان بلامنازع و بدون شکست جهان بود. او ۱۹ مبارزه ابتدایی خود را با ناک اوت پیروز شد که ۱۲ مبارزه را در راند اول تمام کرد. او تاکنون «جوان ترین قهرمان بوکس حرفه ای سنگین وزن» با ۲۰ سال و چهارماه و ۲۲ روز سن است و اولین بوکسور سنگین وزنی بود که هم زمان کمر بند قهرمانی «شورای جهانی مشت زنی»، «اتحادیه جهانی مشت زنی» و «فدراسیون بین المللی مشت زنی» را تصاحب کرد. او در خارج از رینگ نیز یک شخصیت ورزشی مشهور بوده است. در ۱۹۸۸ در یک مبارزه به یاد ماندنی، در ۹۱ ثانیه «مایکل اسپینکز» را ناک اوت کرده و اولین شکستش را رقم زد و ۲۰ میلیون دلار جایزه مسابقه را برد. مدتی شکست ناپذیر به نظر می رسید؛ تا اینکه در ۱۹۹۰ مقابل «باستر داگلاس» در یکی از روزهای ناخوشایند تاریخ بوکس شکست خورد. در سال ۱۹۹۲ به جرم «تجاوز جنسی» به شش سال حبس محکوم و پس از سه سال البته از زندان آزاد شد. پس از آزادی، در یک سری از مسابقات بازگشتی شرکت کرد و در سال ۹۶ توانست کمر بند قهرمانی «شورای جهانی بوکس» و «اتحادیه جهانی بوکس» را پس بگیرد و به این ترتیب کنار قهرمانانی همچون «محمد علی کلی»، «فلوید پترسون»، «ایواندر هالیفیلد» و «تیم ویتسپون» قرار بگیرد که توانستند یک بار دیگر دیگر قهرمانی جهانی سنگین وزن را پس از آنکه آن را از دست دادند، به دست بیاورند. در همان سال در یک بازی حساس و باور نکردنی با «ایواندر هالیفیلد»، با توقف داور در راند یازدهم، کمر بند «اتحادیه جهانی بوکس» را از دست داد. مسابقه برگشت آن ها در سال ۹۷ در راند چهارم با اخراج شدن «تایسون» به دلیل «کارگرفتن گوش هالیفیلد!» پایان یافت و برای مدتی از مسابقات محروم شد. او به خاطر سبک و حشیانه و ترسناک بوکسش و همچنین رفتارش در خارج و داخل رینگ، مشهور بود که به گفته خودش؛ از «سانی لیستون» الهام گرفته است؛ کسی که به عنوان «ترسناک ترین مرد تاریخ بوکس» شناخته می شود. سال ۱۹۹۸ در موسیقی هیپ هاپ و رپ Second Round K.O حضور یافت. سال ۱۹۹۹ به مدت کوتاهی زندانی شد. سال ۲۰۰۲ دوباره شانس بازیگری عنوان قهرمانی اش را به دست آورد. در نشست خبری پیش از مسابقه با «لوکس لوئیس» به رقیب خود حمله ور و بر روی رینگ، در راند هشتم ناک اوت شد! او در سال ۲۰۰۶ پس از دو باخت پیاپی به «دنی ویلیامز» و «کوین مک براید»، با رکورد ۵۸ مسابقه، ۵۰ بُرد (۴۴ ناک اوت)، شش باخت و دو مسابقه ناتمام، از ورزش حرفه ای کناره گیری کرد. با ۸۸ درصد پیروزی با ناک اوت، در فهرست «۱۰۰ مشت زن برتر تاریخ» به انتخاب مجله «رینگ» در رده شانزدهم قرار دارد.